

کتاب و کتاب پژوهشی

پابرج ۱۶

جواد بشری

۳۹. درباره علی نامه و چاپ عکسی آن

اخیراً مرکز پژوهشی «میراث مکتوب» کتابی به صورت چاپ عکسی با مشخصات ذیل منتشر کرده است نکاتی در این کتاب مغفول مانده است که مربوط به مقدمه های کتاب است و در این نوشتار به آنها می پردازیم:

علی نامه (منظومه ای کهن)، سروده به سال ۴۸۲ ق از سراینده ای متخلص به ربیع (۴۲۰ ق ...)، نسخه برگردان به قطع اصل نسخه خطی شماره ۲۵۶۲ کتابخانه موزه قونیه (ترکیه)، کتابت حدود سده هفتم هجری، با مقدمه های محمدرضا شفیعی کدکنی و محمود امیدسالار، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب، با همکاری کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران و مؤسسه مطالعات اسلام‌اعلیه، ۱۳۸۸ ش. اکنون همه «علی نامه» را می شناسند؛ البته سرچشمه این شناخت معرفی نامه فوق العاده سودمند استاد شفیعی کدکنی است که در قالب مقاله ای با عنوان هیجان انگیز «حماسه ای شیعی از قرن پنجم»، در شماره پاییز و زمستان ۱۳۷۹ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (ص ۴۲۵-۴۹۴) منتشر شد. این مقاله بلافاصله مورد ارجاع (Reference) قرار گرفت و در مطالعات تاریخ ادبی و تاریخ تشیع (مانند کتاب تاریخ تشیع در ایران اثر دکتر رسول جعفریان) بدان استناد شد. مقاله استاد شفیعی اینگونه آغاز می شود:

تا به چشم خود ندیدم باور نکردم. شما نیز حق دارید باور نکنید: یک حماسه منظوم پارسی، در مناقب و مغازی امام

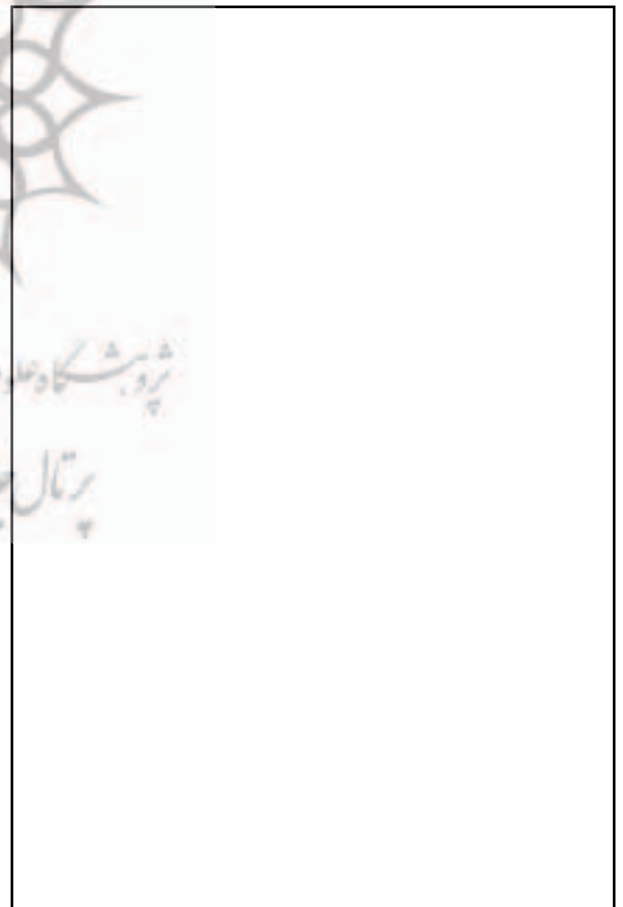
علی بن ابی طالب (ع) از قرن پنجم؛ یعنی حدود نیم قرن بعد از نشر شاهنامه فردوسی و در حجم حدود دوازده هزار بیت با اسلوبی کهن و نوآوری از لغات و ترکیبات که گاه در فرهنگ ها شواهد آن را به دشواری می توان یافت ... گوینده آن - که به تصریح متن کتاب، متولد ۴۲۰ هجری است - این منظومه را در سن ۶۲ سالگی و در سال ۴۸۲ هجری به احتمال قریب به یقین در خراسان، و شاید هم ناحیه بیهق منظوم کرده است و آن را به یکی از اشراف سادات عصر، یعنی علی بن طاهر عریضی از سادات ناحیه تقدیم داشته است (۴۲۵/ یازده). ۲.

او سپس گفتنی ها را جمع به این منظومه را در بخش های مختلف به دقت بیان کرد. طبق نوشته استاد، سراینده که «ربیع» تخلص می کند، ماجراهای «جمل» و «صفین» را در این منظومه به تفصیل تمام، در دوازده مجلس آورده و در آغاز هر بخش یا مجلس، به شیوه فردوسی ... همه جا به ستایش خرد و خردمند می پردازد (۴۳۰/ پانزده). شخصی که کتاب به او تقدیم شده، «سیدعلی بن طاهر» (علی ابن طاهر، مدار شرف/ که هست آن مطهر به طاهر خلف. علی نامه، ص ۵) نام دارد که به گمان استاد، همان امیر سیدعلی بن طاهر عریضی بیهقی است که

۱. حدود ۳۸ یادداشت کوتاه کتابشناسی و نسخه شناسی با عنوان «پابرج» در پنج شماره از آینده پژوهش (۱۰۹-۱۱۵) چاپ شد و انتشار آن در شماره ۵ از آن سلسله موقتاً خاتمه یافت. اینک ادامه این سلسله.
۲. عدد نخست شماره صفحه مقاله استاد در مجله مشهد و عدد بعدی، شماره صفحه تجدید طبع مقاله در مقدمه علی نامه است که برای مزید فایده به هر دوی آنها ارجاع داده می شود.

ذکرش در لباب الانساب ابن فندق آمده است (۴۳۶-۴۳۷) / بیست و یک - بیست و دو). البته در اینکه این سیدعلی بن طاهر، همان امیر سیدعلی بن طاهری باشد که از سادات عریضی بیهق بوده، قرینه‌ای در متن نیست و فقط باید آن را در حد یک احتمال تلقی کرد؛ از این رو انتساب درست این منظومه به خراسان، فعلاً محملی قطعی ندارد؛ مضاف بر اینکه نسخه منحصر به فرد آن (همین نسخه که چاپ عکسی شده) به دست کاتبی شوشتری (تستری) موسوم به «محمد محمود بن مسعود المقدم التستری»^۳ (علی‌نامه، ص ۵۹۶) استنساخ شده که همین خود سرخی خوب برای تعیین حوزه توزیع کتاب است. استاد در جای دیگری، در بیان احتمال اینکه «ربیع» سراینده کتاب، می‌تواند همان شیخ عبدالملک بنان قمی (مذکور در کتاب نقض عبدالجلیل قزوینی رازی) باشد، نوشته‌اند:

بعضی قراین لهجه‌ای شاعر از قبیل بالابودن بسامد استعمال کلماتی از نوع «ز بهرای» به جای «برای»، گواهی است بر اینکه بگویم زبان شاعر، خراسانی و ماوراءالنهری خالص نیست؛ هر چند کتاب را به کسی تقدیم کرده است که از اشراف سادات عصر خود در ناحیه نیشابور و بیهق بوده است» (۴۴۸-۴۴۹ / سی و سه).



تصویر شماره ۱

در اینجا نیز می‌بینیم که خراسانی بودن مهدی الیه، مسلم فرض شده است؛ در حالی که به نظر نمی‌توان آن را چندان هم قطعی تلقی کرد. مگر در ایران بزرگ آن روزگار پر آشوب سده پنجم که هر جای آن حکومتگرانی محلی و اشراف زادگانی زیست می‌کرده‌اند، همین یک نفر، سیدعلی بن طاهر نام داشته است؟! گویا با کمبود منابع رجالی ما از دوران‌ها و اقلیم‌های مختلف - که خود بحثی است و برای اهل تحقیق پرواضح است - درباره این فرد نباید با قطعیت سخن گفت.

در وضعیت کنونی، به نظر می‌رسد بهترین راه حل برای دسته‌بندی محدوده جغرافیایی تولید اثر، روش «سبک‌شناسی مقایسه‌ای» باشد که چندان دور از دسترس هم نیست و البته باید به دست خبیری روش‌شناس انجام شود.

در اینجا پس از مقدمات مذکور، به عرضه نکاتی راجع به دو مقدمه‌ای که بر چاپ عکسی نوشته شده است، می‌پردازم. ابتدا با این سؤال اساسی شروع می‌کنم: آیا منظومه‌ای با این اهمیت تاکنون مورد توجه هیچ کس قرار نگرفته است؟ در نگاه اول شاید طبیعی به نظر برسد که نسخه‌ای خطی در گوشه‌ای از دنیا دچار فراموشی شده باشد و پژوهشگری نکته‌سنج آن را معرفی کند؛ اما مگر کتابخانه موزه قونیه هر گوشه‌ای از دنیاست؟ نفایس این کتابخانه سال‌ها مورد توجه بوده است و بسیاری ایران‌شناسان و فارسی‌دانان جهان اعم از ایرانی، ترک و غیره، بدان عنایت خاصی داشته‌اند. مرحوم گولپینارلی در آنجا زیسته و فهرست فارسی آن را نوشته است. پس مشکل کجاست؟

پاسخ این است که غفلت از متنی چون علی‌نامه - که احتمالاً در فهرست‌های کتابخانه موزه قونیه توصیف شده و به دلایل مختلف، از جمله کم‌توجهی مادر استفاده از منابع ترکی کشور همسایه، مورد غفلت قرار گرفته است - به کم‌تلاشی مان در یک حوزه مهر تأیید می‌زند و آن گسست فرهنگی نسل حاضر از نوشته‌های متن‌شناسان و نسخه‌شناسان نسل‌های قبل است؛ زیرا این متن حداقل در دو نشریه از نشریات ده‌های نه چندان دور معرفی شده است که بدان در هیچ‌جا توجهی و در مقدمه‌های دوگانه چاپ عکسی نیز از آن یاد نشده است. یکی از این دو جا، نوشته مرحوم عبدالرسول خیامپور، استاد به واقع سختکوش و منبع‌شناس تبریزی در سال‌های نه چندان دور است که خود ترجمه‌گونه‌ای

۳. در مقاله استاد شفیع‌ی این نام به صورت «محمد بن محمود [بن] مسعود المعدم (?) التستری» خوانده شده (۴۳۷ / بیست و دو)، در حالی که در رقم کتاب، «محمود» بالای «محمد» به همان خط اصلی اضافه شده است و قرائت فوق‌گویا نادرست باشد. اگرچه خود درباره وجود نام‌های ترکیبی و دو اسمی در قرن هفتم و هشتم بسیار مشکوکم.

تلخیصی از نوشته پروفیسور احمد آتش، کتابشناس برجسته ترك محسوب می شود. این نوشته در سال هفتم نشریه دانشکده ادبیات تبریز، شماره دوم، بهمن ۱۳۳۴، صفحات ۲۴۱-۲۴۸ با عنوان «نشریات ترکیه - چند کتاب خطی مهم فارسی در قونیه» (بخش اول) منتشر شد و نخستین کتابی که معرفی کرد، همین «علی نامه» بود. در نوشته خیام پور یا بهتر بگوییم آتش، درباره علی نامه آمده است: «این کتاب که در هیچ جا درباره آن نتوانستم اطلاعاتی به دست بیاورم و ظاهراً این نسخه، نسخه منحصر به فرد است، در سال ۴۸۲ هجری تألیف یافته و مانند شاهنامه به بحر متقارب است و تقریباً دارای یازده هزار بیت می باشد.

علی نامه خواند خداوند هوش
ندارد خرد سوی شهنامه گوش
چو آمد به سر نظم این سعد فال
دو و چار صد بود و هشتاد سال



تصویر شماره ۲

علی نامه از چند جهت در تاریخ ادبیات ایران اهمیت دارد: اولاً نخستین کتاب مذهبی است که به شکل داستان نوشته شده است و تا آنجا که من می دانم، بعد از این کتاب، خاوران نامه از طرف محمدبن هشام الدین نوشته شده و تاریخ تألیف آن سال ۸۳۰ هجری

است؛ ثانیاً درباره فضایل حضرت علی (ع) چنان که به زبان عربی به خصوص از طرف شیعیان کتاب هایی تألیف شده بود، به زبان فارسی نیز مخصوصاً کتاب های زیادی بایستی تألیف می شد، و این کتاب از آن قبیل است که زندگانی حضرت علی و سرگذشت های خارق العاده وی را به شکل داستان شرح می دهد. تاریخ استنساخ این نسخه، به فرار زیر قید شده است: «تم الکتاب ... فی ید ... محمد بن محمود بن مسعود ... التستری فی یوم الخمیس سابع شهر رمضان ...». برگی که دنباله این عبارت در آنجا بوده، افتاده است و تاریخ استنساخ باید قرن ۷-۸ هجری باشد» (ص ۲۴۱-۲۴۲).

محل دیگری که از علی نامه در منابع ایرانی یاد شد، باز هم ترجمه ای کامل از همین نوشته احمد آتش بود که توسط مترجمی نامعلوم در ماهنامه فرهنگی سیمرغ، سال اول، شماره دوم، اسفند ۱۳۶۸، صفحات ۵۴-۶۴ نشر یافت. این مقاله نیز که بدون آگاهی از ترجمه تلخیص گونه خیام پور تدوین شد و «نسخه های خطی فارسی کتابخانه های موزه مولانا و یوسف آغا در قونیه» نام داشت، معرفی نامه دیگری از علی نامه را در ایران دهه شصت عرضه کرد که البته اقبالی در پی نداشت. این بی توجهی به متن با این درجه از اهمیت را در فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (محمدتقی دانش پژوه، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۱۴۳) با توصیفی در حد یک سطر و نیم نیز شاهد هستیم؛ آنجا که می خوانیم: «علی نامه: به نظم فارسی. ف [میکروفیلم] ۳۲۲، قونیه ش ۲۵۷۸، نسخ محمد بن محمود بن مسعود مقدس تستری در پنجشنبه ۷ رمضان در ۳۰۱ گ ۱۹ س».

گویا تقدیر این کتاب بوده است که در اختفا بماند تا به دست توانای استادی یگانه از پرده برون آید و بدان گونه عرضه شود که می دانیم و اکنون شاهد چاپ آن هستیم.

نکته آخر درباره مقدمه استاد محمود امیدسالار بر چاپ عکسی کتاب است که شامل نکاتی نغز در حیطه نسخه شناسی دستنویس است؛ اما با یکی از دیدگاه های ایشان موافق نیستم که بیان می شود. استاد بر اساس وجود برخی ویژگی های کتابتی، مانند کشیدگی دم الف به پایین در مواردی که به حرف ماقبل پیوسته است در چند موضع از نسخه، گذاشتن سه نقطه روی حرف «گ» به شیوه قدما فقط در دو مورد، و گذاشتن «ح» کوچک زیر حرف «حاء» در مواردی چند، نتیجه گرفته اند: شاید این ویژگی ها در نسخه ای مادر بوده که نسخه حاضر از روی آن کتابت شده است. عین نوشته ایشان در این باره، چنین است:

یکی دیگر از خصوصیات رسم الخط این نسخه، به تفصیلی که خواهیم گفت، حکایت از آن دارد که این دستنویس از روی

مادر نسخه کهنی استنساخ شده؛ زیرا در کلماتی که با حاء نوشته می‌شوند... زیر حرف حاء یک «ح» کوچک می‌نویسند تا این حرف با حروف همانند (ج، ح، چ) اشتباه نشود... گذشته از اینکه کاتب صور جدید و قدیم برخی کلمات را کنار هم به کار می‌برد (مثلاً نوشت/نشت؛ بدید/بدیت؛ امید/اومید)، گهگاه دُم الفی را که به حرف ماقبل پیوسته از محل تقاطع الف و حرف ماقبل به پایین می‌کشد. این شیوه رسم الخط را در نسخه‌هایی دیده‌ام که یا در قرن پنجم کتابت شده‌اند (الابنیه فی حقائق الادویه به خط اسدی طوسی مورخ ۴۴۷ هجری، و ترجمان البلاغه رادویانی به خط قطبی شاعر، شاگرد اسدی، مورخ رمضان ۵۰۷ هجری) و یا از روی مادر نسخه‌های متعلق به آن قرن استنساخ گردیده‌اند (مانند نسخه غرر السیر تعالی مورخ ۵۹۳ هجری که در کتابخانه داماد ابراهیم پاشا به شماره ۹۱۶ محفوظ است و به گمان من از روی مادر نسخه‌ای که در قرن پنجم کتابت شده بود، استنساخ شده است). این گونه نسخ معمولاً به خطی که کوفی شرقی، کوفی خراسانی یا کوفی غزنوی خوانده شده‌اند یا به یکی از متفرعات آن شیوه کتابت، نوشته شده‌اند.

در نسخه‌های قدیم، معمولاً زیر حرف عین یک حرف «ع» کوچک و زیر حاء... یک «ح» کوچک می‌نوشتند؛ چنان‌که زیر و زیر برخی دیگر از حروف نیز علامات خاصی می‌گذاشتند. این رسم به تدریج منسوخ می‌شود و در نسخه‌های قرون هفتم و هشتم کمتر می‌توان این نشانه‌ها را دید؛ مگر در نسخی که از روی یک مادر نسخه قدیمی استنساخ شده باشند و کاتبان آنها به تقلید از شیوه مادر نسخه‌ای که نقل می‌کرده‌اند، این علامات را در متن وارد کرده باشند؛ اما حتی این کاتبان هم در مورد گذاشتن این علامات کارشان یکدست نبوده است؛ در هر صورت، از کشیدگی دُم الف، و دو مورد گذاشتن سه نقطه به جای سرکش حرف گاف، و گذاشتن علامت زیر حرف حاء، نگارنده این احتمال را نامعقول نمی‌داند که نسخه علی‌نامه از روی مادر نسخه‌ای استنساخ شده باشد که به شیوه دستنویس‌های قرن پنجم نوشته شده بوده است (علی‌نامه: هشتاد و شش - هشتاد و هشت).

نکته خدشه‌پذیر در این مقوله اینک: اساساً ویژگی‌هایی که ذکر شد، به نسخه‌هایی که در قرن پنجم کتابت شده‌اند، محدود نمی‌شود. گذاشتن «ح» و «ع» کوچک زیر حاء و عین تا جایی که حضور ذهن دارم تا قرن نهم کم و بیش رایج بوده است؛ ولی نباید تصور کرد وقتی یک کاتب در مواردی از نسخه‌اش، برای رفع بدخوانی از این علامات‌ها استفاده می‌کرده، مقید می‌شده است زیر همه عین‌ها و حاء‌ها حرف کوچک آن را نیز کتابت کند. از این مهم‌تر، بحث من راجع به کشیدگی دُم الف است به سمت پایین، در مواردی که الف به حرف قبلی چسبیده باشد. تا آنجا که متوجه شدم، استاد امیدسالار بر آن است که این ویژگی کتابت نسخه‌های سده پنجم است و لاغیر، و هر جای دیگر هم که این ویژگی در سده بعدی دیده شود - که لابد بسیار موارد نادری باید باشد - تقلید کاتبان قرون بعدی از مادر نسخه کهنه‌شان - که لامحاله به قرن پنجم یا پیش از آن تعلق داشته - است.

متأسفانه نظر پیش‌گفته درست نیست؛ زیرا این ویژگی به وفور در نسخه‌های سده‌های ششم تا هشتم نیز دیده می‌شود و طبق جستجوی ناقص من، حداقل تا پایان قرن هشتم کم و بیش به کار می‌رفته است. آنچه هست، اینک: این ویژگی یک خصیصه سبکی و سلیقه‌ای است؛ به این معنی که نباید از همه کاتبان پیش از سده هشتم توقع داشت آن را مراعات کرده باشند؛ دیگر آنکه حتی کاتبی هم که این ویژگی را در استنساخ یک کتاب رعایت می‌کرده، پایبند نبوده آن را در همه موارد لحاظ کند؛ یعنی شاید در نیمی از مواردی که الف به حرف قبلی پیوند



تصویر شماره ۳

می خورد، دُم آن را به پایین می کشیده و در باقی موارد نه؛ و البته این نکته ای بدیهی در بررسی ویژگی های املائی و رسم الخطی نسخه های کهن است.



تصویر شماره ۴

در این جا بد نیست چند نمونه از نسخه های پیش از سده هشتم که این ویژگی در آنها دیده می شود، معرفی و تصویر صفحاتی از آنها عرضه شود:

- نسخه ناقص مثنوی واهق و عذرای عنصری که مرحوم مولوی محمد شفیع پاکستانی آن را از لابلای جلد نسخه ای کهن بیرون کشید. این نسخه احتمالاً در قرن پنجم و به شیوه کوفی غزنوی از نوع تحریری آن، کتابت شده است. عکس صفحه ۹ این نسخه که در سطرهای ۲ (مصرع ۲)، ۱۳ (مصرع ۱) و ۱۹ (مصرع ۲) آن، این ویژگی دیده می شود، از چاپ عکسی پاکستان در اینجا آورده می شود (تصویر ۱)؛^۴ البته این مورد ربطی به اثبات مدعای ما ندارد؛ زیرا احتمالاً در قرن پنجم کتابت شده است.

- نسخه دیوان الادب فارابی در لغت به شماره ۱۲۱۳۲ کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی، از سده پنجم، بی تاریخ. این نسخه نیز که مثل مورد قبل مدعای ما را اثبات نمی کند،

بعضاً دارای این ویژگی است. برای مشاهده عکس صفحه ای از آن، به فهرست مرعشی (ج ۳۰، ص ۸۹۴) مراجعه کنید.

- نسخه ۱۴۸۸۷ کتابخانه مرعشی مورخ ۵۵۴ ق که عکس آن در فهرست کتابخانه (ج ۳۷، ص ۸۹۹) آمده است.

- نسخه دیوان ظهیر فارابی به شماره ۱۱۹۹۵ مرعشی به خط نسخ کهن سده ۶ و ۷ ق که در موارد اندکی این ویژگی را دارد؛ برای مثال می توان به عکس چاپ شده در فهرست (ج ۳۰، ص ۸۵۴) نگریست.

- نسخه الاغراض الطیبه مورخ ۶۲۶ ق در همان جا که به تکرار و وضوح این ویژگی در آن مشاهده می شود. عکس صفحه ای از آن را می توان در فهرست مرعشی (ج ۳۳، ص ۸۹۷) مشاهده کرد.

- مجموعه مورخ ۶۷۰ ق و غیره در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۲۴۱۲ که به ندرت این ویژگی را دارد. این نسخه شامل مجموعه ای از رسالات خواجه نصیر طوسی است که معیار الانشعار آن در شماره های پیشین «پابرج»^۵، معرفی شد؛ برای نمونه می توان به تصویر صفحه ۸۶۱ از فهرست مرعشی جلد ۳۱ مراجعه کرد.

- نسخه کامل الصناعه اثر علی بن عباس مجوسی اهوازی، مورخ ۶۸۱ ق به شماره ۱۲۵۳۲ مرعشی که مکرر و واضح این ویژگی را دارد (فهرست، ج ۳۱، ص ۹۲۶-۹۲۸).

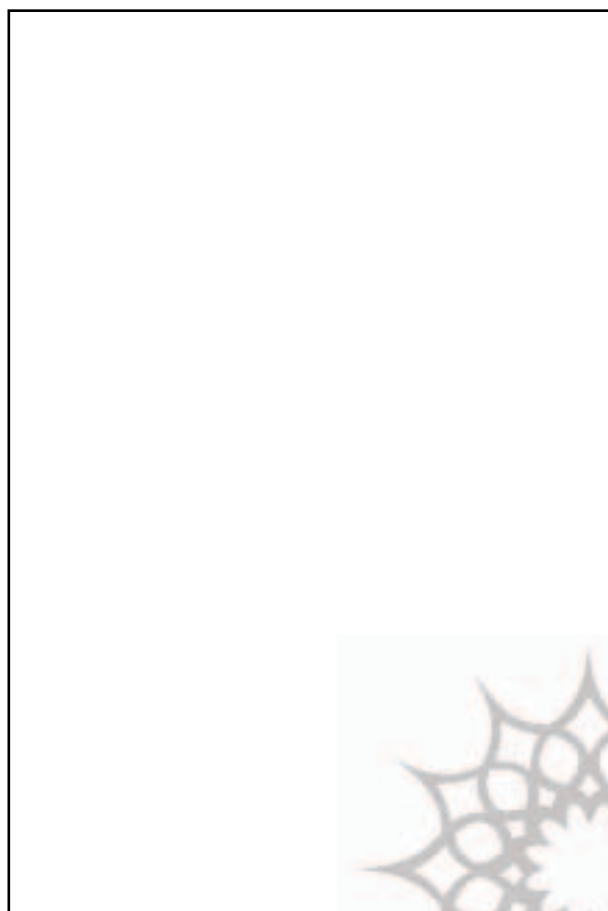
- نسخه کتاب کمیاب تحفة الغرایب فی النیرنج والعجائب در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۲۳۸۰ از سده هفتم که عکس را می توان در فهرست آنجا (ج ۳۱، ص ۸۳۷) مشاهده کرد.

- نسخه ۸۸۹ از مجموعه اهدایی طباطبایی کتابخانه مجلس که نسخه ای بی تاریخ، ولی کهن (احتمالاً سده هفتمی) از شفای بوعلی السلت (برای نمونه، نک به: تصویر آن در: فهرست مجلس، ج ۲، ص ۲۴، ۲۳۷) مراجعه شود.

- نسخه شرح جامع الصحیح به شماره ۸۱۸۰ کتابخانه مجلس که در سده هفتم قمری کتابت شده و عکس برگ ۱۸۴ پ آن در فهرست مجلس، جلد اول، ص ۲۷- که به همین قلم نگاشته شده و اخیراً نشر یافته است - آمده است. در سطور زیر از برگ ۱۸۴ پ ویژگی مورد نظر رویت می شود: ۳، ۷ (۲ مورد)، ۸، ۱۰، ۱۱ (۲ یا ۳ مورد)، ۱۲ (۲ یا ۳ مورد)، ۱۳ (۲ مورد)، ۱۵ (۲ مورد)، ۱۶، ۱۸، ۲۲، ۲۳ و ۲۴.

۴. واهق و عذرای عنصری؛ به تصحیح مولوی محمد شفیع؛ لاهور، ۱۹۶۷ م، عکس های اوراق خطی واهق و عذرای عنصری، ص ۹.

۵. متن تصحیح و چاپ شده به اهتمام استاد دکتر جلال متینی. نسخه حاضر که از نسخه های دیگر اثر کهن تر است، در تصحیح لحاظ نشده است.



تصویر شماره ۵

بر این موارد اندک که به سرعت گردآوری شد، نمونه‌های بسیاری می‌توان افزود. وجه اشتراک این شواهد، به غیر از دو مورد نخست - که در قرن پنجم استنساخ شده‌اند - کتابت به خط نسخ یا یکی از انواع آن است. این شیوه گویا در ثلث دیده نشده است اما در نستعلیق سده نهم، نمونه‌ای بسیار نادر را به چشم دیده‌ام که شاید بعدها درباره آن مطلبی نوشتم. باز تأکید می‌کنم

۶. اخیراً گفتارهای محمود فضل، صوفی ناشناس پیش از سده هفتم را از روی همین نسخه، در دو ماهنامه گزارش میراث، ذیل معرفی کتاب بیست متن فلسفی - عرفانی منتشر کرده‌ام. مقاله‌ای مفصل نیز درباره سایر فواید شعری این نسخه نگاشته‌ام که به امید خدا بناست در نسخه پژوهی، دفتر چهارم چاپ شود.

۷. جلال‌الدین عتیقی؛ دیوان عتیقی؛ به کوشش نصرالله پورجوادی و سعید کریمی، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه فاتح استانبول، تاریخ کتابت ۷۴۳ ق، به کوشش نصرالله پورجوادی - سعید کریمی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸.

۸. محمدتقی دانش‌پژوه؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم»؛ نشریه آستانه مقدسه قم، ش ۲، ص ۴۶، ردیف ۳۷.

- نسخه مجموعه ۱۰۰۷۱ مجلس که قسمت عمده آن در فاصله ۷۰۸-۷۲۰ ق و باقی آن (به جز یادداشت‌های شعری افزوده شده در سده نهم قمری) نیز در همان سده کتابت شده است. عکس صفحات ۴۷ و ۴۸ نسخه مزبور که مربوط به قصیده بدیعیه قوامی مطرزی گنجه‌ای است و در فهرست مجلس از قلم افتاده (فهرست مجلس، ج ۳۲، ص ۹۵) عرضه می‌شود، که در مواضع متعدد این ویژگی را داراست (تصویر ۲).

- نسخه مجموعه‌ای شماره ۱۳۰۵۴ مجلس که در سده هشتم کتابت شده است و قسمت دوم آن، یعنی فرهنگ لغتی کهن تألیف پیش از سده هشتم، مورد بررسی قرار گرفت. این نسخه همان است که بخش نخست آن، شرح کلیله‌ای است که دوست دانشورم آقای بهروز ایمانی آن را بر اساس نسخه‌های متعدد تصحیح و منتشر نمود. کتابت بخش دوم این مجموعه، یعنی فرهنگ لغت عربی به فارسی، در روز جمعه بیست و نهم صفر ۷۰۴ ق به دست محمدین محمودبن محمود، معروف به جلال نسفی پایان یافته است. در تصویر صفحه ۱۲۳ نسخه که عرضه می‌شود (تصویر ۳)، در این سطور ویژگی مزبور لحاظ شده است: ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۲ و ۱۷.

- نسخه دیوان جلال‌الدین عتیقی کتابت شده در سال ۷۴۳ هجری محفوظ در کتابخانه فاتح استانبول که اخیراً به صورت فاکسیمیل (عکسی) نشر یافته است.^۷ در این نسخه، این ویژگی به وفور دیده می‌شود که می‌توان بدان مراجعه کرد.

- نسخه سفینه‌ای / جنگ مانند کتابخانه سلیمانیه ترکیه که به شماره ۲۸۰ چلبی عبدالله در آنجا نگهداری می‌شود و قسمت عمده‌ای از آن در سال ۷۶۳ هجری و برخی اجزایش حتی پیش از آن کتابت شده است. از این نسخه، عکس کم‌رنگی ظاهر شده از میکروفیلم فرسوده شماره ۵۰۸ در دانشگاه تهران موجود است که بر اساس همین عکس کم‌رنگ، به وجود مواردی از این شیوه رسم الخط می‌توان پی برد. عکسی که از این سفینه خواهد آمد که مربوط به برگ ۵۹ پ نسخه است (تصویر ۴).

- نسخه سفینه ارزنده لالا اسماعیل ترکیه شماره ۴۸۷ ر، کتابت شده در سال‌های ۷۴۱-۷۴۲ هجری به دست چند کاتب که میکروفیلم آن به شماره ۷۵۳ در دانشگاه تهران محفوظ است. این ویژگی در نسخه مزبور به وفور به چشم می‌خورد. عکس یک صفحه از این نسخه (برگ ۲۱۲ ر)، به طور اتفاقی گزینش و عرضه می‌گردد (تصویر ۵) که در آن این ویژگی به وضوح قابل رؤیت است.

- نسخه شماره ۴۵ - قرآن‌ها از کتابخانه آستانه حضرت معصومه (س) که به نوشته مرحوم دانش‌پژوه، در سده هشتم به خط نسخ کتابت شده و عکس صفحه‌ای از آن نیز در پایان

که برخی از کاتبان سده های ششم تا هشتم که در نگارش نسخ از این ویژگی استفاده می کرده اند، کاملاً مستقل عمل کرده، به هیچ وجه از مادر نسخه شان تقلید نقاشی وار نکرده اند؛ و اساساً نظر عرضه شده در منبع پیش گفته مردود است.

گفتنی است در نسخه های کتابت شده به خط نسخ در بلاد غربی تر عربی نشین، ویژگی مورد گفتگو تا سده نهم نیز به ندرت به کار می رفته است که عرضه شواهد آن، مجال دیگری می طلبد.

۴۰. گزارش بوسهل زوزنی بر اشعار متنبی

هرکس با تاریخ مسعودی (معروف به تاریخ بیهقی) اثر خواجه ابوالفضل محمد بن حسین دبیر بیهقی انسی داشته، بی تردید با شخصیت بوسهل زوزنی آشناست. این بوسهل از قهرمانان اصلی قسمت بازمانده از تاریخ بیهقی، مربوط به حوادث عهد مسعود بن محمود غزنوی است. به غیر از پررنگی نقش بوسهل در حوادث سیاسی عصر که طبیعتاً وی را به مهره ای تأثیر گذار و برجسته تبدیل کرده، شیوه خاص ابوالفضل بیهقی در تاریخ نگاری نیز به ماندگاری نام بوسهل کمک کرده است؛ هر چند این ماندگاری، به هیچ وجه با خوشنامی همراه نبوده است.

در اینجا قصد نداریم به مبحث احوال بوسهل وارد شویم^۹ بلکه هدف، معرفی نسخه ای بسیار ارزشمند از آثار این شخصیت سیاسی-ادبی خراسان در عهد غزنوی اول است که تا کنون کسی در ایران متوجه آن نبوده است.

پیش تر، اشاره ای به فضل بوسهل در عرصه ادب عرب ضروری است. خواجه ابوالفضل دبیر، در برخی قسمت های تاریخ خود به مناسبت، اشاراتی به این بخش از شخصیت بوسهل دارد؛ مثلاً در نقل ماجرای شکار شیر مسعود غزنوی و ابیاتی که بوسهل بر بداهه در آن باره سرود، بیهقی جمله ای توضیحی به این صورت آورده است: «خواجه بوسهل زوزنی دوات و کاغذ خواست و بیتی چند شعر گفت به غایت نیکو؛ چنان که او گفتی، که یگانه روزگار بود در ادب و لغت و شعر». ^{۱۰} همچنین در آغاز «ذکر بر دار کردن امیر حسنک وزیر»، برای آنکه بی طرفی خود در راندن قلم تاریخ نگارش را به رخ بکشد، منصفانه بوسهل را چنین توصیف می کند: «این بوسهل مردی امامزاده و محتشم و فاضل و ادیب بود، اما شرارت و زعارتی در طبع وی مؤکد شده-ولا تبدیل لخلق الله- و با آن شرارت، دلسوزی نداشت». ^{۱۱} باز در اثنای همین ماجرا (بر

دار کردن حسنک میکال) هنگام نقل مشاجره لفظی حسنک با بوسهل پیش از اعدام نکته جالب توجهی را متذکر می شود. این مشاجره زمانی روی می دهد که بوسهل، بی ادبانه و در حضور خواجه میمندی، حسنک مغضوب را «سگ قرمطی» می خواند و حسنک با خونسردی پاسخ است، خاندان من و آنچه مرا بوده است از آلت و حشمت و نعمت، [= بوسهل] می دهد: «سگ ندانم که بوده جهانیان دانند. این خواجه که مرا این می گوید، مرا شعر گفته است و بر در سرای من ایستاده است». ^{۱۲} از این جملات بر می آید که بوسهل با آنکه در جوانی، در زمره اطرافیان خواجه احمد میمندی بوده، در جایگاه مدرس و ادیب فرزندان او به خدمت مشغول بوده، ابوعلی حسن بن محمد میکال (حسنک) را نیز- که در گروه سیاسی مقابل میمندی قرار داشته- مدیحه گفته، به او خدمت کرده است.

گمان من بر این است که جمله معروف بیهقی در مقایسه حسنک و بوسهل، آنجا که گوید: «فضل، جای دیگر نشیند»، در بیان همین برتری ادبی بوسهل- که از آن تعبیر به «فضل» شده- نسبت به حسنک است: «و بوسهل با جاه و نعمت و مردمش در جنب امیر حسنک یک قطره آب بود از رودی؛ فضل جای دیگر نشیند». ^{۱۳} یعنی در مقام قیاس، جاه و نعمت و خدم و حشم امیر حسنک، بسیار عظیم تر از بوسهل بود که البته در این قیاس، حساب فضل و دانش جداست؛ زیرا فضل و سواد ادبی بوسهل از اقران خود بیشتر بوده، وی در این مورد بر همتایان خود برتری

۹. در مورد احوال و آثار (ابیات عربی) خواجه محمد بن حسن ملقب به شیخ العمید زوزنی این منابع دیده می شود: ابی منصور عبدالملک الثعالبی النیسابوری؛ تنمة یقیمة الدهر فی محاسن اهل العصر؛ شرح و تحقیق الدكتور مفید محمد قمیحة؛ [از چاپ دوجلدی عباس اقبال گرفته شده]، بیروت: دارالکتب العلمیة، ص ۲۵۴-۲۵۶. دمیه القصر وعصره اهل العصر؛ تحقیق ودراسة الدكتور محمد التونجی؛ [بی جا]، [بی نا]، [بی تا]؛ الجزء الثاني، ص ۱۳۹۱-۱۳۹۳. جمال رضائی؛ «بوسهل زوزنی در تاریخ بیهقی»؛ یادنامه ابوالفضل بیهقی، مشهد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، ۱۳۴۹، ص ۲۲۰-۲۳۲. «بوسهل زوزنی»؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی؛ ج ۵، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۵۷۲-۵۷۴.

۱۰. خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر؛ تاریخ بیهقی؛ تصحیح دکتر علی اکبر فیاض؛ ج ۳، تهران: علم و دنیای کتاب، بهار ۱۳۷۱، ص ۱۵۲.

۱۱. همان، ص ۲۲۲.

۱۲. همان، ص ۲۳۰.

۱۳. همان، ص ۲۲۳.

داشته است .

جز اینها اعتراف دو تن از ادیبان شخصیت نگار عصر غزنوی، ثعالبی و باخرزی، بر دانش ادبی بوسهل و نقل فقراتی از سروده های عربی وی، گواه فضل اوست .

* * *

در میان نسخه های کتابخانه «طلعت» که فؤاد سید گزارشی از برخی تفاسیر آن عرضه کرده است، دستنویسی به شماره ۴۴۸۰- ادب، توصیف شده که از تألیفات بوسهل زوزنی است. این کتاب قشر الفسر عن دیوان ابی الطیب المتنبی نام دارد و مؤلف آن «الامام الشیخ العمید ابی سهل محمد بن الحسن الزوزنی» معرفی شده است. به نوشته فؤاد سید، این اثر استدراکی بر شرح ابن جنی بر دیوان متنبی است که در آن به لغزش های ابن جنی اشاره شده، اشکالات آن اصلاح گشته است. نسخه به «خط قدیم»، مورخ ۴۷۵ ق است و به دست ابوالقاسم بن ابی بکر بن احمد بن عبداللّه بن الفضل بن العباس بن خالد، در ۹۱ برگ ۱۹ سطری کتابت شده است.

اندکی از سرآغاز شرح مورد بحث در مقاله مزبور نقل شده است که می آورم: «الحمد لله خیر ما افتتح به الکلام واختتم ...» ۱۴. نکاتی که از همین معرفی نامه مختصر برداشت می شود، یکی تأیید نام پدر بوسهل به صورت «حسن» است و نه «حسین»، چنان که برخی منابع به آن شکل ثبت کرده اند. دیگری لقب «شیخ العمید» برای وی است که به جز باخوزی (به صورت «العمید» ۱۵ و ثعالبی، ۱۶ منوچهری دامغانی نیز آن را در قصیده ای مدحی برای بوسهل به کار برده است. ۱۷ از قرار معلوم این کتاب حداقل دو مرتبه در ممالک غربی تصحیح و منتشر شده است. مشخصات دو چاپ آن چنین است:

- محمد بن الحسن الزوزنی العارض؛ قشر الفسر؛ تحقیق و تقدیم رضا رجب؛ دار الینابیع، ۱۴۲۵ ق/ ۲۰۰۴ م.
- العمید ابی سهل محمد بن الحسن الزوزنی العارض؛ ۱۸ کتاب قشر الفسر، تحقیق عبدالعزیز بن ناصر المانع؛ الرياض: مرکز الملك فيصل للبحوث والدراسات الاسلامية، ۱۴۲۷ ق/ ۲۰۰۶ م، ۴۶۰ ص.

۴۱. ماده تاریخ صدرالافاضل تبریزی در فوت عباسقلی خان سپهر از ارتباط علمی و دوستی عباسقلی بن محمدتقی لسان الملک، مشهور به «سپهر ثانی» و ملقب به «مشیر افخم» (نگارنده مجلدات تکمیلی ناسخ التواریخ که پدرش لسان الملک

سپهر اول، آن را بنیان نهاد و مجلداتی از آن را نگاشت) با لطفعلی تبریزی ملقب به صدرالافاضل و متخلص به «دانش» ۱۹

۱۴. فؤاد سید؛ «نوادير المخطوطات في مكتبة طلعت»؛ معهد المخطوطات العربية، المجلد الثالث، الجزء الثاني، ربيع الثاني ۱۳۷۷، ص ۲۰۸.

۱۵. دمیه القصر وعصره اهل العصر؛ ج ۲، ص ۱۳۹۱.

۱۶. تنمة بئمة الدهر في محاسن اهل العصر، ص ۲۵۴.

۱۷. دیوان منوچهری دامغانی؛ به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی؛ ج ۳، تهران: زوار، ۱۳۷۹، ص: ۱۴۳، بیت ۱۹۵۰.

۱۸. در این چاپ- که هنوز آن را ندیده ام- تاریخ درگذشت بوسهل زوزنی ۴۴۵ ق ثبت شده است و این با متن تاریخ بیهقی تعارضی ندارد. بیهقی در آغاز ماجرای بردار کردن حسنگ آورده است: «... امروز که من این قصه آغاز می کنم، در ذی الحجه سنه خمسین واربعمائه، در فرخ روزگار سلطان معظم ابوشجاع فرخ زاد ابن ناصر دین الله ... ازین قوم که من سخن خواهم راند یک دو تن زنده اند در گوشه ای افتاده، و خواجه بوسهل زوزنی چند سال است تا گذشته شده است و به پاسخ آنکه از وی رفت، گرفتار» (تاریخ بیهقی، ص ۲۲۱). از عبدالعزیز مانع دو مطلب دیگر درباره بوسهل و کتابش منتشر شده است که هنوز آنها را نیز از نزدیک بررسی نکرده ام؛ به این مشخصات:

- نظرات نقدیة فی کتاب قشر الفسر للزوزنی (تاریخ انتشار: ۲۰۰۷ م).

- ابوسهل الزوزنی الوزیر الادیب فی عصر الدولة الغزنویة (تاریخ انتشار: ۱۴۲۷ ق/ ۲۰۰۶ م).

باید دید آیا مصحح عرب، از منابع فارسی در مورد بوسهل استفاده کرده است و آیا در عرضه تاریخ دقیق درگذشت وی سندی قطعی و یقین آور در اختیار داشته است؟

۱۹. درباره محمدعلی مدعو به لطفعلی ابن محمدکاظم تبریزی، ملقب به صدرالافاضل (۱۲۶۸-۱۳۵۰ ق) پدر مجدالدین و پدر بزرگ فخرالدین نصیری (مجموعه دار نسخه های خطی هم روزگار ما که سالیانی پیش درگذشت)، این منابع دیده می شود: دکترع. خیامپور؛ فرهنگ سخنوران؛ تهران: طلایه، زمستان ۱۳۶۸، ص ۳۳۱. محمدعلی مصاحبی نائینی متخلص به عبرت؛ تذکره مدینه الادب، چاپ عکسی از روی نسخه به خط مؤلف، ج ۲، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶، ۹۴۸-۸۱۷۵؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة؛ ج ۹، ق ۲، ص ۳۱۶-۳۱۷ و مواضع بسیار دیگر. محمدعلی تربیت؛ دانشمندان آذربایجان؛ به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۸-۲۲۹. احمد گلچین معانی؛ تاریخ تذکره های فارسی؛ تهران: کتابخانه سائی، ۱۳۶۳، صص ۲۴۱-۲۴۳ و ۳۶۶-۳۷۱؛ عزیز دولت آبادی؛ سخنوران آذربایجان؛ ج ۱، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، شماره ۲۳، فروردین ۱۳۵۵، ص ۳۴۶-۳۵۶. حورا نصیری امینی؛ زندگی نامه فخرالمحققین ابوالفضائل والمکارم محمدرضا فخرالدین نصیری امینی فخری ... بمضمیمه شرح حال و آثار اجدادم ...؛ تهران: مؤلف، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۷۰-۲۴۵.

عبرت در مدینه الادب به دلیل تولد در شیراز، نسبت او را شیرازی نوشته است؛ ولی صدرالافاضل تمایل داشته خود را «تبریزی» بداند؛ هر چند

<

سندی به خط خوش صدرالافاضل در پایان دستنویسی گرانقدر، محفوظ در کتابخانه مجلس یافت شد که اطلاعات آن عرضه می شود.

پیش پیش گفته شود که خانواده پدران این دو دانشور عصر قاجار نیز با یکدیگر آمد و شد داشته اند و اصلاً تغییر تخلص صدرالافاضل از «فانی» به «دانش» در سال ۱۲۹۴ ق ۲۰ را میرزا محمد منشی ساوجی در رساله ای که گزارش حال شعرای معاصر وی است،^{۲۱} به پیشنهاد همین لسان الملک کاشانی، در یکی از روزهای آمدن به منزل پدری صدرالافاضل بیان کرده است:

در بدایت کار، تخلص آن بزرگوار به ملاحظه تجرد و گسیختگی از دنیا، «فانی» بود. روزی چند تن از سران دولت مثل جناب جلالت مآب مجدالملک و حضرت لسان الملک متخلص به سپهر - که هر دو در فضیلت یکتا و اندیشه در کنه کمالاتشان بی دست و پا است - به دیدن والدشان، امین السفرا قدمی رنجه داشته بودند. صحبت اشعار آن عالم ربانی [= صدرالافاضل] به میان می آید.

پس از تحسین بسیار و تمجید بی شمار، جناب مجدالملک می فرماید که باید به تغییر این تخلص کوشید، نسبت چنین وجود را به فنا نباید داد. جناب لسان الملک تخلص را به «دانش» قرار دادند. فوراً این لطیفه را جناب دانش مآب، [= صدرالافاضل] به زبان آوردند: «الاسماء تنزل من السماء». همگی به این لطیفه تحسین کردند؛ خصوصاً خود حضرت لسان الملک که تخلصشان سپهر است.^{۲۲}

در کتابخانه مجلس، دستنویسی مجموعه ای به شماره ۸۸۳۶ نگهداری می شود که تا کنون فهرست تفصیلی محتویات آن نگاشته نشده است. به مناسبتی، این دستنویس را بررسی و از بخش اشعار متفرقه فارسی آن یادداشت برداری کردم. نگارش این سطور، البته به بهانه ای دیگر است و آن تعلق نسخه به صدرالافاضل تبریزی و مطالبی است که او به خط خوش در آغاز و انجام نسخه، به یادگار نوشته است.

دستنویس مزبور شامل قسمت هایی اصلی و متفرقاتی شعری است که بخش متفرقات آن را باید جنگ شعر معرفی کرد. قسمت های اصلی نسخه را چند تذکره سده نهم و دهم فارسی، مانند تحفه سامی، منتخب مجالس العشاق، تذکره الشعرای دولتشاه و از همه کمیاب تر، مذکر احباب اثر نثاری بخاری تشکیل داده است.

در چند موضع، کاتب نسخه، رقم زده است؛ از جمله در پایان تحفه سامی اثر سام میرزا صفوی: «تم و کمل فی اواسط ربیع الاول سنه ۱۰۳۳ ثلث و ثلثین و الف» و نیز در پایان تذکره دولتشاه: «فرغت من کتابتها فی اول محرم سنه ۱۰۳۵ و انا الفقیر ابراهیم بن احمد ابن ابی بکر القاضی».

صدرالافاضل خود برگ هایی به آغاز و انجام نسخه پیوند زده، در ابتدا و انتهای آن، مکرر و به خط نستعلیق جلی نوشته است: «جنگ اشعار استادان و چند تذکره الشعراء - تاریخ کتابت و استنساخ آن سنه ۱۰۳۵». در این برگ ها، وی همچنین یادداشت های دیگری درباره محتویات نسخه و شاعرانی که در قسمت جنگ مانند آن شعر دارند، نگاشته است.

منظور من، برگ ماقبل آخر نسخه است که صدرالافاضل بر روی و پشت آن یادداشت های جالب و ارزنده ای دارد. او بر پشت این برگ، اختلاف ساعت تهران با شهرهای مهم جهان آن روزگار مانند برلن، واشنگتن، یکوهاما، بمبئی، پکن، اسلامبول، (وین)، لندن، بطرزبورخ (پترزبورگ)، پاریس و رم، به همراه اشعاری از خود با عنوان «لمحرره غفر له» و بر روی آن یادداشت مهمی درباره خاندان سپهر کاشانی و تاریخ فوت عباسقلی خان سپهر ثانی، به همراه ماده تاریخی که یک دو

ارتباط او با تبریز فقط از آن روست که پدرش امین السفرای نسائی الاصل به سال ۱۲۲۸ ق در آن شهر متولد شده است. صدرالافاضل، مثلاً در شرح حال خودنوشتی که «عبرت» تذکره اش آن را برای ما ثبت کرده، خود را «تبریزی» خوانده است (تذکره مدینه الادب؛ ج ۲، ص ۸۹۷). او همچنین در یادداشت هایی که بر روی نسخه های خطی ملکی خود به یادگار گذارده، نسبت فوق را به کار برده است. برای مشاهده نمونه ای دیگر، جز آنچه در این یادداشت عرضه خواهد شد، ر. ک به: جواد بشری؛ «اشعار فارسی در مجموعه ۱۲۵۹۹»؛ میراث شهاب، سال دهم، شماره اول و دوم (پیاپی ۳۵-۳۶)، ص ۱۷۷-۱۷۸ (من در مقاله مورد گفتگو، صدرالافاضل را شناسایی نکرده بودم).

۲۰. تذکره مدینه الادب؛ ج ۲، ص ۸۹۷. عزیز دولت آبادی (سخنوران آذربایجان، ج ۱، ص ۳۴۶) و ویراستار چاپ جدید دانشمندان آذربایجان اثر مرحوم تربیت (دانشمندان آذربایجان: ۲۲۸، پاورقی ۲) این سال را به اشتباه ۱۲۹۶ ضبط نموده اند. اما سند عبرت نائینی قطعی تراست زیرا وی به ثبت امانتدارانه شرح حال خودنوشت صدرالافاضل در تذکره خود اقدام کرده، این تاریخ هم از همان شرح حال برداشت شد.

۲۱. قسمت مرتبط با احوال صدرالافاضل تبریزی از این رساله را عبرت نائینی برای ما ثبت کرده است (ر. ک به: تذکره مدینه الادب؛ ج ۲، ص ۸۶۹-۸۷۹).

۲۲. همان، ص ۸۸۱.

شب پس از فوت او سروده، به خط شکسته نوشته است. طبق این یادداشت، عباسقلی خان که با صدرالافاضل دوستی داشته، در شب یکشنبه‌ای از ماه جمادی الاخر سال ۱۳۴۲ ق به جهان دیگر رفته است. اینک عین آن یادداشت:

از میرزاتقی مستوفی کاشانی متخلص به سپهر، ملقب به لسان الملک، مؤلف ذاسخ التواریخ دو پسر ماند: میرزا هدایت و عباسقلی خان نام. میرزا هدایت که بزرگ‌تر بود، بعد از پدر لسان الملک و ملک المورخین لقب یافت. عربیتش کامل بود؛ در نثر و نظم مهارت تمام داشت؛ از نقاشی بی بهره نبود؛ و اواخر عمر کور شد و از او اولاد متعدد مانده است، اغلب باکمال اند.

پسر دیگر که عباسقلی خان باشد، خود را سپهر ثانی می خواند، به مشیر افخم ملقب شد. تنمۀ مجلدات ناسخ التواریخ را که پدرش توفیق اتمام نیافته بود، به عهده گرفت و از کثرت نگارش، آنچه در استعداد داشت، فعلیت پیدا کرده بود، قلمش در نظم و نثر حالت انتظار نداشت. پریشب که شب یکشنبه شهر جمادی الاخر باشد، دعوت حق را لبیک اجابت گفت. پاس حقوق دوستی و اخوت ایمانی را، این قطعه به قلم آوردم:

سپهر ثانی، اعنی مشیر افخم راد

که بود یکتا زیر سپهر مینایی

برون شد از پس هفتاد و یک سنه ز جهان

که تنگ بودش گیتی ز گنج دانایی

«مشیر افخم» تاریخ فوت اوست اگر،

سنین عمرش را بر این عدد بیفزایی

۱۲۷۱ [۱۲۷۱+۷۱]=۱۳۴۲

«حرره الفقیر لطفعلی بن محمد کاظم التبریزی - غفرالله لهما - فی دارالخلافة طهران».

۴۲. کلیله و دمنه منظوم رودکی در عهد قاجار

کسانی که «داستان کلیله و دمنه رودکی» به قلم مرحوم مجتبی مینوی^{۲۳} را خوانده اند، حق خواهند داشت از عنوان این یادداشت، شگفت زده نشوند و بگویند «غیر ممکن است». واقعیت این است که خود من هم، با تجربه کردن ناکامی های بسیار در برخورد با کتابی خطی که بالقوه آن را ارزشمند می دانسته ام، در عمل خلاف آن برآیم ثابت شده است. تا کتابی را نبینم و از نزدیک مطالب آن را بررسی نکنم، به ارزش

آن ایمان نمی آورم. این مورد نیز شاید از همان قبیل باشد؛ از همان مواردی که فهرستنگاری با آب و تاب کتابی متوسط و مشهور را به اشتباه معرفی می کند، اما بعد معلوم می شود به بیراهه رفته است.

این سرنخ از کلیله و دمنه رودکی به واسطه نقلی است که عباسقلی بن محمدتقی سپهر کاشانی (۱۳۴۲ ق) در ناسخ التواریخ، بخش مربوط به زندگانی امام رضا(ع)، از دوستی شنیده است. ۲۴ اگر خود عباسقلی سپهر شخصاً نسخه کلیله و دمنه رودکی را دیده بود، به دلیل فضل مثال زدنی وی در عرصه کتابشناسی می توانستم تا حدودی، احتمال صحت مطلب را در ذهن قوت ببخشم، اما اکنون با نقلی مواجهیم که او از حسینقلی خان کرمانشاهانی متخلص به سلطانی کرده و سرانجام خود نیز موفق به دیدن نسخه آن نشده است. او آنجا که به شعرای عصر هارون الرشید می رسد، طبق شیوه نگارش تاریخش، مطلبی استطرادی درباره کلیله و دمنه منظوم رودکی می نگارد. بحث اصلی او بر سر ابان بن عبد الحمید شاعر عرب و به نظم درآورنده کلیله و دمنه برای برامکه است که ناگهان مطلب مهمی باعث می شود عباسقلی خان سپهر، از کلیله و دمنه رودکی یاد کند:

... راقم حروف گوید: رودکی، استاد بزرگوار معروف به چنگ زن که از قدما و فصیح ترین شعرای روزگار است، این کتاب را به زبان فارسی به نظم درآورده است و در کتب تذکره در ذیل احوال این شاعر اوستاد یاد کرده اند.

مرحوم حسینقلی خان کرمانشاهانی، از خوانین ایل کلهر متخلص به سلطانی که از فحول شعرای عصر و مردی ادیب و فاضل و با خط خوش و طبع دلکش و میزان طبعش به شعرای ترکستان شبیه، و در پاره ای تذکره ها و تذکره ای که این پنده در احوال شعرای معاصرین نگارش داده، شرح حالش مبسوط، در سنوات ماضیه که در طهران و غالباً با بنده محشور و معاشر بود، می فرمود: از نسخه کلیله و دمنه که رودکی به نظم آورده، دو نسخه داشتم. یکی را به

۲۳. فرهنگ ایران زمین؛ صاحب امتیاز ایرج افشار، تهران، ۱۳۳۶ خورشیدی و سخن، ج ۵، چ ۳، ۱۳۶۸، ص ۲۶۵-۲۷۸.

۲۴. این بخش از ناسخ التواریخ را که جلد یازدهم از کتاب دوم ذاسخ التواریخ است (از کتاب اول، تألیف پدر و از کتاب دوم قسمت های مربوط به پسر منظور است) محمدباقر بهبودی سالها پیش توسط کتابفروشی اسلامیة منتشر کرد.

نواب امام قلی میرزای عمادالدوله علیه الرحمه که حکمران کرمانشاهان بودند، تقدیم کردم و آن دیگر در جمله کتب خود که در ولایت کرمانشاهان است، موجود است. قرار شد برای این بنده استنساخ نمایند، لکن بعد از مراجعت به کرمانشاهان روزگار ایشان کافی نشد و به رحمت حق واصل شدند و چون فرزند ذکور نداشتند، کتب ایشان را متفرق کردند. معلوم نشد چه شد و این نسخه گرامی و گوهر نامی به کجا رسید. ۲۵

آیا واقعاً کلیده و دمنه رودکی تا عصر قاجار باقی مانده بوده؟ حتی اگر چنین باشد، اکنون نسخه ای از منظومه کلیده و دمنه، هر چند از شاعری دیگر، می شناسیم که خود ارزشمند است؛ زیرا تنها نظمیه ای که از کلیده به فارسی باقی است، نظم قانعی طوسی است که در جهان دو نسخه بیشتر از آن شناسایی نشده و اگر نسخه های حسینقلی خان کلهر، حتی دو دستنویس از همین منظومه بوده اند، باز اطلاع از وجود آنها چندان بد نیست.

۴۳. شرح ابیات مرزبان نامه، نگاشته حسام الدین شاعر در سده هفتم
با بررسی مجموعه ای که در سال ۷۰۹ ق به دست کاتبی ناشناس، گویا زیسته در آسیای صغیر (بر اساس بیتی که در تولد فرزندش در قونیه سروده و در مجموعه اش ثبت کرده است) در قلعه «ذالیفره» کتابت شده، اطلاعاتی از شرح ابیات مرزبان نامه اثر حسام الدین شاعر از سده هفتم به دست می آید. این اطلاع از خلال منشآت سعدالدین نامی که خود از منشیان و دبیران رده پایین تر حسام الدین بوده و منشآتش در این نسخه کتابت شده است، به دست آمد.

این نسخه، مجموعه ای است محفوظ در کتابخانه فاتح استانبول به شماره ۵۴۰۶ در ۱۳۳ برگ، شامل این بخش ها با تاریخ هایی که ذکر می شود:

- نصیحة الملوک غزالی از آغاز تا پایان برگ ۳۲ ر. در انتهای این قسمت، رقم کاتب را به این صورت شاهد هستیم: «والسلام علی من اتبع الهدی. تم الكتاب بعون الله وحسن توفيقه فی اواخر ربيع الاخر سنة تسع وسبعمائة فی دارالحصر يعرف بذالیفره حمیت عن البلیة».

- برگ ۳۲ پ تا ۳۳ پ. شامل اشعار متفرقه ای که جز یک مورد با عنوان «لکاتبه»، بقیه جدیدتر است و به خط اوایل سده نهم می ماند، مانند ابیاتی از قصیده نونیه ابو الفتح بستی (زیاده المرء فی دنیاة نقصان ...)، یک رباعی و چند قطعه متفرقه و

بعضاً معروف به فارسی و عربی. آن شعری که عنوان «لکاتبه» دارد و کهن است، یک رباعی ای است در تولد فرزند کاتب مرسوم به ابراهیم:

فرزند ابراهیم ز لطف یزدان
در قونیه وقت چاشت آمد به جهان
تاریخ ز هجر پنج بوذ و پنجاه
روز جمعه ثانی ماه شعبان

- برگ ۳۴ ر تا ۵۷ ر. شامل نزهة الکتاب و تحفة الاحباب اثر حسام الدین حسن خوئی که البته در تصحیح آن، این نسخه مورد استفاده قرار گرفته است. ۲۶ رقم کاتب در این قسمت چنین است: «حصل الفراغ عن تعلیقه یوم الاربعاء الاوایل من صفر ختم الله بالخیر والظفر سنة تسع وسبعمائه حامداً لله علی نعمه ومصلياً علی نبیه محمد وآله فی قلعة يعرف بذالیفره».

- برگ ۵۸ ر تا ۷۰ پ. شامل قواعد الرسال و فرائد الفضائل از همو که نسخه ناقصی است و از پایان افتادگی دارد، و در تصحیح، از آن استفاده شده است. ۲۷

- برگ ۷۱ ر تا ۹۷ پ. شامل غنیه الکاتب و منیه الطالب اثر همان حسام الدین خوئی که در تصحیح از آن استفاده شده است. ۲۸ مطلبی که درباره اندازه خانقانه امیرجلال الدین قرطائی در انطالیه ترکیه نقل خواهد شد، در برگ عنوان همین بخش (برگ ۷۱ ر) به عنوان یادداشت متفرقه، ولی گویا به همان خط اصلی و کهن نسخه نوشته شده است. رقم پایانی غنیه الکاتب چنین است: «وقع الفراغ من تحریره فی اواخر ربيع الاخر سنة تسع وسبعمائه فی قلعة يعرف بذالیفره، حمیت عن البلیة، والسلام».

۲۵. عباسقلی خان سپهر؛ ناسخ التواریخ زندگانی حضرت رضا علیه السلام؛ به تصحیح و حواشی محمدباقر بهبودی؛ ج ۸، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۰ ش، ص. نیز ر. ک به: ۳۷۱؛ نسخه خطی مؤلف از همین بخش ناسخ التواریخ، کتابخانه مجلس شماره ۸۲۱۰: ۱۴۷۷.

۲۶. حسام الدین حسن بن عبدالمؤمن خوبی (زنده در ۷۰۹ هـ. ق) مجموعه آثار حسام الدین خوبی؛ مقدمه، تصحیح و تحقیق صغری عباس زاده؛ تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۹، ص ۳۴.

۲۷. همان، ص ۳۹.

۲۸. همان: ۴۵. متأسفانه مصحح به دلیل آشنایی نداشتن با روش تصحیح، غزلی از سعدی را که بعدها مالکان نسخه به عنوان یادداشتهای متفرقه در صفحه عنوان این بخش افزوده اند اصیل تلقی کرده و آن را در آغاز تصحیح خود پیش از دیباچه مؤلف آورده است (ص ۲۹۷). بنابراین کسانی که به چاپ میراث مکتوب مراجعه می کنند نباید تصور کنند این غزل را حسام الدین خوئی در قرن هفتم در آغاز کتابش قرار داده است.

- برگ ۹۸ پ تا ۱۲۹ پ . بخشی منحصر به فرد با عنوان «من منشآت مولانا و استادنا علامه العالم، منظم فرائد البدایع، منشی فوائد الروایع، مبدع المعانی، سحبان الثانی، افضل المتأخرین سعد الملة والحق والدين... (؟) الملوك والسلاطین دامت فضایله، بالنبی وآله». از این عنوان برمی آید که سعدالدین (صاحب این منشآت) استاد کاتب مجموعه بوده، لابد در اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم می زیسته است؛ پس او نمی تواند سعدالدین و راوینی صاحب مرزبان نامه باشد. از خلال منشآت او شاید بتوان اطلاعاتی از احوالاتش به دست آورد. هر چه هست، او باید از منشیان و دبیران محدوده سلاجقه روم و آسیای صغیر باشد. در ادامه نامه ای منظوم از او که خطاب به «ملک الشعرا حسام الدین»، در تمجید از کتاب حسام الدین در شرح ابیات مرزبان نامه سروده است، می آورم. این نامه نشان می دهد در سده هفتم، شرحی بر ابیات مرزبان نامه به دست «حسام الدین» نامی (شاید همان حسام الدین حسن خوئی) نگاشته شده بوده است؛ از این نامه؛ اطلاع کتابشناختی دیگری به دست نمی آید.

«فی جواب رساله مولانا ملک الشعرا حسام الملة والدين اذا صنف کتاباً فی شرح آیات مرزبان نامه :

رسید از حضرت در گاه عالی
 خداوند جهان مولی الموالی
 خداوند کلام و مالک فضل
 خداوند کمال، آی الكمال
 مکان لطف و کان حسن و اخلاق
 معان جود و عین خوش خصالی
 فرید دهر آن فرزانه عصر
 وحید عالم آن شمس المعالی
 بلیغ الشرق والغرب کلاماً
 بدیع النظم فی نثر المقال
 خداوندی که اندر کلک دارد
 چو موسی در عصا سحر حلالی
 کند از نفته زنده جان معنی
 چو عیسی مرده هفتادسالی
 خداوندی که شیران فصاحت
 کنند اندر حضور او شغالی
 طباع ناظمان در معنی
 کند در لطف طبعش را عیالی

بیان همچو سحر آن زبان است
 که شعر شعر را باشد مغالی
 خداوند تو عمرش آنچنان ده
 که بیش آید ز صد سال هلالی
 رسید از غیب آن منشور مشور
 مثال نظم او، از بی مثالی
 کتابی چون بتان خلیج و چین
 به عنبر زلفی و با مشک خالی
 موشح از نکات بکر و حکمت
 محشاً با عبارت های عالی
 مبوب بوده چون فردوس اعلی
 مفصل کرده در خوب اتصالی
 به آیات و احادیث و حکایات
 به امثال و نوادر نیک حالی
 شده مستغنی از اطراء مادح
 ز قادح ایمن وز عیب خالی
 حروف کالجمان اتسافاً
 والفاظ تضمن کالآلی
 خلال اللفظ تبدو مثل صبح
 من اللیل معانیها الملالی
 سرور دل بداد و دیده رانور
 در رحمت گشاد از لطف، حالی
 هموم صدر را آمد مفرح
 صداء قلب را هم گشت حالی
 بزد بر آتش اشواقم آبی
 ز سوز هجر شد جان نیز سالی
 چو بنشانند آتش شوق درونم
 بدو گفتم مگر آب ز لالی؟
 نباشد آب را لطفی از این سان
 نشاید بود جز باد شمالی
 که جانم را نسیمش تازه دارد
 جهانی را دهد فرخنده فالی
 خداوند ۲۹ ز شوق آن چنانم

۲۹ . نباید تصور کرد ابیات از این پس به موضوع مناجات اختصاص می یابد؛ زیرا منظور از این خداوند، همان مخاطب شاعر، یعنی ملک الشعرا حسام الدین نگارنده شرح ابیات مرزبان نامه است، و خداوند در این موارد، یعنی صاحب و سرور.

که گر بر شخص من دستی بمالی
نتابی تاب درد اندروم
ز سوز ناله جانم بنالی
و گر بیرون کشی پیرهن از من
چه بینی؟ استخوانی مانده مالی
و گر هیچ افتدم حاجت خلالی
ز شخص ۳۰ خویش می یابم خلالی
اگر وصلت میسر هست از این پس
فائی ان اُمّت فَلَکَن اُبالی
درین عالم تویی او مید من پس
که خان و مان تویی و جاه و مالی
ز بیع عهد اقلت ناید از من
و گر عالم شوندم جمله قالی
خوشا آن روز کز خاک در تو
گهی بالش کنم گاهی نهالی
نهم سر در کف پایت از یراک
منم سایه تو مهر بی زوالی
خدا باد اُترا و عنصرت را
معین و ناصر و واقعی و کالی ۳۱

از یک موضع برمی آید این حسام شاعر، همان حسام الدین حسن خوئی صاحب منشآت و رسائل است؛ زیرا سعدالدین در نامه ای با عنوان زیر، درباره رساله عروض او نوشته است: «در جواب رقعۀ ای که مولانا حسام الدین نبشته بود و نسخه عروض پارسی فرستاده». می دانیم که حسام الدین حسن صاحب رساله مختصری به نظم در عروض فارسی است که البته در مجموعه رسائل او، چاپ میراث مکتوب نیامده است، ولی من در سفینه محمودشاه نقیب مورخ ۸۲۷ ق نسخه ای از آن را یافته ام؛ همچنین اخیراً دستنویس دیگری از همان رساله عروض نزد استاد دکتر مرعشی نجفی دیدم که در ۷۵۰ و اندی کتابت شده بود؛ پس صاحب شرح ابیات مرزبان نامه باید همان حسام الدین حسن خوئی باشد.

رقم پایانی این منشآت از قرار زیر است: «تمت الرسالة فی اوایل شهر جمادی الاولی سنة تسع و سبعمائه».

۴۴. اندازه صفة خانقاهی در انطالیه ترکیه در سده هفتم و هشتم از مجموعه ۵۴۰۶ کتابخانه فاتح استانبول مورخ ۷۰۹ ق که

در بخش قبلی وصف شد، یادداشت بسیار جالب و اصیلی درباره خانقاهی موسوم به «خانقاه امیر جلال الدین قراطائی» و اندازه صفة آن آمده است که حکم یک سند زنده و دست اول را دارد. من عجاله از خانقاه مزبور اطلاعی ندارم؛ اما به تصریح کاتب مجموعه که در بلاد آسیای صغیر زیسته و فرزندش در قونیه به دنیا آمده است، این خانقانه در انطالیه ترکیه قرار داشته است. اینک عین آن یادداشت که در برگ عنوان غنیه الکاتب (برگ ۷۱ ر) به شکل عمودی از پایین به بالا نوشته شده است، نقل می شود: «صفة خانقاه امیر جلال الدین قراطائی که در محروسه انطالیه است به قدم کاتب حروف، طولش چهل هشت ۳۲ قدم است و عرضش سی قدم، اما برهنه».

تصویر این صفحه از نسخه خوشبختانه در مجموعه رسائل حسام الدین حسن خوئی، چاپ میراث مکتوب با حالت کوچک شده آمده است که می توان بدان نگرست.

۴۵. تصویر نسخه «مجمع الرباعیات» در ایران

مجمع الرباعیات کهن ترین مجموعه / سفینه رباعی فارسی است که در سال ۵۸۸ ق به دست ابوحنیفه عبدالکریم بن ابی بکر، تدوین شده، به نام محی الدین مسعود درآمده است. از این کتاب فوق العاده ارزنده نسخه ای خطی به شماره ۲۳۸- مجموعه حالت افندی، در کتابخانه بزرگ سلیمانیه ترکیه وجود دارد که متأسفانه ناقص است و فقط چهار برگ آغاز کتاب را داراست. همین چهار برگ را هلموت ریتز در فیلولوژیکا معرفی کرد و باعث شد احمد آتش، اسلام شناس و پژوهشگر بزرگ ترک نیز به سراغ آن رود و شاعران آنکارایی آن (با نسبت «انگوریه ای») را بررسی نماید. نوشته آتش به عنوان بخشی از کتابچه / مقاله مفید او راجع به آثار فارسی کهن آناتولی - که خوشبختانه به فارسی هم برگردانده شده - آمده است. ۳۳

پس از این، مرحوم دکتر ریاحی، گویا بدون اینکه به نسخه خطی مراجعه ای داشته باشد، بر اساس نوشته احمد آتش، از

۳۰. شخص، یعنی اندام، تن، جسم.

۳۱. برگ های ۱۰۸ - ۱۰۹ ر.

۳۲. = چهل و هشت.

۳۳. احمد آتش؛ «آثار فارسی در آناتولی از قرن ششم تا هشتم هجری»؛

ترجمه دکتر صائمہ اینال صاوی؛ نشریه ستاد بزرگ ارتشداران، ش ۱۲،

ص ۲۳-۲۹.

مجمع الرباعیات در نوشته های خود یاد کرد. ۳۴ تمام کسانی هم که از این پس نامی از مجمع الرباعیات برده اند، به واسطه نوشته افراد نامبرده است، و این به دلیل دسترسی نداشتن به نسخه خطی و یا تصویر آن است. ۳۵

این قضیه برای خود من بسیار عجیب بود که مجتبی مینوی که میکروفیلم بسیاری از نفایس کتابخانه های مشهور ترکیه را به ایران آورد (میکروفیلم های دانشگاه تهران) چطور از چنین مجموعه ای غفلت کرده است؟ پاسخ این سؤال را وقتی یافتم که در تصفح و تفحص فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و رؤیت برخی میکروفیلم ها - که برخی به صورت ظاهر شده روی کاغذهای ضخیم نیز صحافی و مجلد شده هستند - به میکروفیلم نسخه ای از مجموعه حالت افندی برخوردارم، و چون در جایی، عکسی از صفحات نسخه مجمع الرباعیات را ندیده بودم، هیچ گمان نمی کردم نسخه ای که عکسش را ورق می زدم، همان نسخه مجموعه ای است که چهار برگ آن، همان نسخه منحصر به فرد مجمع الرباعیات است؛ پس مینوی غفلت نکرده بود. فهرستنگار میکروفیلم های دانشگاه، در این مورد کوتاهی کرده بود، و نیز ما که پس از گذشت چند دهه به این امر واقف گشتیم.

متن میکروفیلم این دستنویس ارزنده که براساس قرائن خطشناسی، احتمالاً از سده هشتم است - (چنان که آتش نیز چنین نظری داده و آن را از نیمه اول قرن هشتم دانسته است) ۳۶ به شماره ۵۶۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود. فهرستنگار درباره این مجموعه دستنویس به این مختصر بسنده کرده است که: «جنگ: شعرهای سنائی و عطار و مولوی و سعدی و سلطان ولد. فیلم ۵۶۴، حالت افندی ۲۳۲ [به جای ۲۳۸] نسخ سده ۸ در ۱۹۹ گ ۱۹ و ۲۱ س». ۳۷

این کوتاهی فهرستنگار در وصف این نسخه ارزنده، باعث شد سال ها از نسخه ای که در دست داریم و از آن بی خبریم، محروم بمانیم. این مجموعه چنان که آتش نوشته، شامل این بخش هاست:

- برگ ۱ تا ۲۷: غزلیات سنائی؛
- برگ ۲۷ تا ۷۴: غزلیات عطار؛
- برگ ۷۴ تا ۱۰۲: مختارنامه عطار؛ ۳۸
- برگ ۱۰۲ تا ۱۲۶: غزلیات مولانا؛
- برگ ۱۲۶ تا ۱۲۸: غزلیات سلطان ولد؛
- برگ ۱۲۹ تا ۱۵۹: غزلیات سعدی؛
- برگ ۱۵۹ تا ۱۷۶: غزلیات فخرالدین عراقی؛
- برگ ۱۷۶ تا ۱۹۲: غزلیات همام تبریزی؛

- برگ ۱۹۲ تا ۱۹۶: مجمع الرباعیات (پایان ناقص)؛
شاعران قسمت اخیر عبارتند از: عبدالواسع جبلی، عزیززی، کمالی، محیوی انگوریه ای، ازرقی، کمال الدین فیلسوف، کمال الدین اسماعیل ۳۹، انوری، عمادی، خلیفه ارعندی، مهستی دبیره، مسعود سعد، امام علی هیصم، ابن خطیب گنجه، علی انسابادی، ظهیر ترمذی، مغیثی گنجه، بدیع پسر منتجب انگوریه ای، حکیم محمود انگوریه ای، سنایی، بوسعید بلفرج، عایشه مقریه، زید غزنوی، سید اشرف، فخری، امیرخواجه سمرقندی و روحی غزنوی.

خوشبختانه مقارن با یافتن این نسخه ارزنده، باخبر شدم دوست بسیار دان و فاضلم، جناب بهروز ایمانی با تحمل مشقت بسیار، تصویری رنگی از اصل نسخه حالت افندی (در کتابخانه سلیمانیه) به دست آورده و از تصحیح آن فارغ شده است. تصحیح دقیق ایشان را باید در مجموعه اوراق عتیق که آقای سیدمحمدحسین حکیم گردآورده و کتابخانه مجلس چاپ کرده است، ملاحظه کرد. از این پس در بررسی مجدد اشعار همام، سنائی، سعدی و حتی مولانا باید از موجودی این مجموعه - که به اشتباه جنگ نام گرفته است - استفاده کرد.

۴۶. نام شاعران سفینه ۱۱۵۱ سنا از باستانی راد

نسخه های خطی مجموعه دار فقیه معاصر، مرحوم حسینعلی باستانی راد - که در میان آنها دیوان های شعری و به خصوص سفینه ها و جنگ های ارزنده بسیار زیاد بوده - در عصر حیاتش به کتابخانه های دانشگاه تهران و مجلس منتقل شد. شناسه بارز قریب به اتفاق نسخه های باستانی راد، شناسنامه و معرفی نامه های کوتاه و بلندی است که روی کاغذ سفید فرنگی

۳۴. محمدامین ریاحی؛ زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی؛ تهران: پاژنگ، ۱۳۶۹، ص ۴۵-۴۲ و نزهة المجالس؛ ج ۲، تهران: علمی، ۱۳۷۵، ص ۵۴.

۳۵. مثلاً ر. ک به: جواد بشری؛ «جنگ رباعیات کتابخانه آیت الله مرعشی»؛ میراث شهاب، سال دهم، ش ۴، شماره پیاپی ۳۸، ص ۷۵.

۳۶. آثار فارسی در آناطولی، ص ۲۸.

۳۷. محمدتقی دانش پژوه؛ فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۴۹۹.

۳۸. به گمانم همان تلخیص مختارنامه باشد که جناب میرافضلی مشغول بررسی و احیاناً چاپ آن است.

۳۹. اگر این رباعی بعدها به مجمع الرباعیات افزوده نشده باشد، از اسنادی است که نشان می دهد شعر کمال الدین اسماعیل اصفهانی سال ها پیش از وفات، به مناطق آسیای صغیر رسیده بوده است.

آهار خورده برای هر نسخه می نوشت و در آغاز دستنویس الصاق می کرد. خط او خوش بود و با همان خط خوش این مطالب را می نگاشت و گاهی مطالب مهم داخل سفینه ها را برای ایجاد تمایز، با قلم نازک یا خودنویس مشکی یا قرمز دورگیری می کرد. در بیشتر مواردی که مرحوم دانش پژوه در فهرست دانشگاه تهران برای معرفی نسخه های سفینه ای و جنگی تفصیل داده، نقل مطلب از باستانی راد و معرفی نامه های الصاقی اوست که البته به بسیاری از این موارد هم، در فهرست دانشگاه تصریح شده است. در کتابخانه مجلس و نیز مجموعه مجلس سنا (مجلس شماره دو که اکنون در کنار نسخه های مخزن شماره یک مجلس نگهداری می شود) نسخه های باستانی راد فراوان است؛ ولی به علت پراکنده بودن نمی توان آمار دقیقی از آنها عرضه کرد. یکی از این نسخه ها، سفینه شماره ۱۱۵۱ سنا است که مرحوم دانش پژوه در فهرست سنا آن را به اختصار تمام معرفی کرده است؛ اما نمی دانم چرا در این مورد دانش پژوه از مطالب باستانی راد بهره نبرده است؛ چه اینکه حق آن بود که به نام شاعران این سفینه ارزنده اواخر عصر صفوی تا اوایل عصر قاجاری، در فهرست سنا اشاره ای می شد. من در بررسی نسخه مزبور، پس از تهیه تصویر از فهرست آغاز سفینه به خط باستانی راد، تصمیم به نشر آن به این صورت گرفتم. دانش پژوه درباره دسته بندی مطالب سفینه و نیز ویژگی های نسخه شناسی آن به اختصار چنین نوشته است:

ستعلیق چلیپای سده ۱۳، عنوان و نشان و رقم، سنگرف. جدول زر و لاجورد و زنگار و سنگرف، با سرلوح و ستون زن، ص ۱ و ۲ با حاشیه گل و بوته رز، با پنج دایره زرین، با فهرست به ترتیب تهجی از اسامی شاعران مرد و زن، با یادداشت دست نویس باستانی راد در ۱۷ برگ، با بخشش بی بی فوفل افغانی کنیز دورانی سدوزی به سرکار عالی شاهزاده غریب نواز در ۱۲۹۱، با مهرهای ... بن شاه جهان و جلال الدین، مورخ پیچی نیل روز آدینه ۲۴ صفر ۱۲۴۵، در ۴۳۲ گ ۱۰ س دوستونی، اندازه ۶×۱۳، ۲۰×۱۱، کاغذ سفید، جلد تیماج قهوه ای ضربی یک لایی با نقش ترنج، درون پارچه قلمکار (۱۷۳۵۳). ۴۰

مجموعه: به نظم (فارسی - ادبیات)

دارای ۱۱ بخش برخی از نعمت خان عالی (نزدیک به ۹۰۰۰ بیت).

۱. غزلیات (با استقبال از یکدیگر به ترتیب تهجی از ۵۷۲ شاعر) ۱-۴۴۸.

۲. رباعیات (۱). بدون رعایت قافیه نزدیک ۷۹ رباعی: ۴۴۸-۴۶۳، ۲. جواب در جواب به ترتیب تهجی نزدیک ۱۵۶ رباعی: ۴۶۴-۴۹۵).

۳. [مثنوی] قضا و قدر: حکیم رکتا و میرزا واله و میرزا سلیم: ۵۰۴-۵۴۱.

۴. ترجیعات و ترکیبات: سعدی، جامی، میرمشتاق، میرنظام، مثنی میرزا مفتون، نورالعین واقف: ۵۴۲-۶۲۹.

۵. [منظومه] سراپا (در تعریف اندام معشوق): توفیق، مهری عرب: ۶۳۰-۶۷۹.

۶. واسوخت ها: عرفی، وحشی، متین. ۶۹۰-۷۰۷.

۷. قصاید و قطعات: شریف آملی، نکهت: ۷۱۷-۷۳۶.

۸. فردیات و غزل ها و تک بیت ها در: ۶۸۰-۶۸۹، ۷۰۷-۷۱۷ و ۷۳۶-۷۶۱.

۹. مخمّسات: حسینی، قاسم، بینا، عیسی، رافع، هلالی، امیدی، امیر خسرو، سیدمتین، عطاءالله هما، توفیق، شیدا، محرم، عاشق، اوجی، صایب، ارشد ۷۶۲-۸۱۱.

۱۰. مناجات: عطار، احمد جام، سنایی، محیی الدین، شمس تبریزی، جنید بغدادی، کاکلی، جلال الدین رومی: ۸۱۲-۸۲۷.

۱۱. نقل مطایبات و اشعار تفننی که در دوایر و جداول ترسیم شده: ۴۴۹-۸۲۸». ۴۱

فهرست باستانی راد ناظر بر دسته بندی مطالب سفینه نیست، بلکه نام شاعران را به ترتیب الفبایی عرضه کرده است که می تواند بسیار مفید باشد. در فهرستی که او تنظیم کرده و البته نیت چاپ آن را هم نداشته - که اگر می داشت، آن را اصلاح می نمود - گاهی شماره صفحه شعر برخی شاعران جا افتاده است؛ برخی مدخل های پشت سر هم قرار گرفته نیز عملاً یک نفر هستند؛ شماره صفحات نیز به ردیف پشت سر هم قرار نگرفته است؛ اما با این همه، فهرست او آن قدر مفید است که تنوع این سفینه را به خوبی انعکاس می دهد. آن مرحوم درباره شعر و سفینه حاضر نوشته است:

«یادداشت و استدراک:

۱. شعر و نظم و اشتها شخصی به شعر، مانند ابر و غبار، فضایل دیگر شخص را می پوشاند و البته از جهتی مفید است و از جهتی مضر. چنانچه حکیم شفائی در طب و حکمت و انواع عدیده علوم وارد و متبحر و مشار بالبنان و سرآمد اقران بوده، ولی فقط به شعر معروف است، و همچنین مولانا علیقتی کمره ای مجتهد مسلم بوده و به هیچ یک از فضایل شهرت نیافته.

۲. موضوع در خور ذکر و توجه، این است که همین مجموعه هاست که اکثراً منبع و ماده اصلی برخی تذکره نویسان

۴۰. شماره ثبت نسخه است (بشری).

۴۱. فهرست سنا، ج ۲، ص ۱۴۲-۱۴۳.

گردیده؛ چنان که نصرآبادی در موارد عدیده تصریح کرده که از مجموعه فلان شخص استفاده نموده؛ مانند مجموعه حاجی اسمعیل (ص ۱۷۳)، مجموعه میرزا صالح (ص ۷۴)، مجموعه محمدسعید (ص ۲۸۷)، مجموعه ملاقدرتی (صص ۲۲۷ و ۴۱۴) و مجموعه مفرد قمی (ص ۳۶۷ و غیره). لازم به توضیح است که صفحات اشاره شده، مربوط به تذکره چاپی نصرآبادی است که مرحوم وحید دستگردی به چاپ آن اقدام کرده است. فهرستی که او برای این سفینه تنظیم نموده عیناً نقل می شود. بررسی دقیق تر سفینه مزبور - که نمی دانم چرا مرحوم دانش پژوه نام «مجموعه نعمت خان عالی» را بدان اطلاق کرده - به بررسی های دقیق و زمان بر بستگی دارد.

الف

- آذر ۴۹۱
 آرزو (میرتاج الدین) ۱۳۹، ۱۹۸، ۳۱۲، ۳۸۰، ۳۸۶
 آصف بیک ۷۱۷
 آصفی ۱۴۹، ۱۷۱، ۱۸۰، ۲۰۶، ۲۳۳، ۲۸۱، ۲۹۱، ۳۰۲، ۳۳۸
 آگه ۲۸۶
 آفرین ۱۸۳، ۲۱۵، ۲۵۱، ۲۷۲، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۴۴، ۳۴۵
 آهی ۱۰۰، ۳۷۳
 ابدال اصفهانی ۳۳۶
 ابراهیم (میرزا) ۱۲۷
 ابن یمین ۴۱۵، ۴۴۱، ۴۸۷، ۴۴
 ابوطاهر شیروانی ۴۲۲
 ابوالخیر سمرقندی ۴۶۲
 ابوالعلا گنجوی —
 ابوالقاسم کازرونی (شیخ) ۱۸۱
 اثر ۱۰۵
 اثیر اومانی ۱۳۸، ۴۲۲، ۴۵۷
 اجری (میر) ۱۸۵
 احمد گیلانی (خان) ۴۶۰
 احسان ۴۶۰
 احسن (ظفرخان) ۱۸۸، ۲۴۳، ۲۷۵، ۲۸۱، ۲۹۶
 احسن ۱۳۹، ۳۶۱، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۳، ۷۸
 ادراک ۴۹۴
 ادهم ۳۶۹، ۴۶۹، ۴۹۰
 اردشیر (امیر سیدحسن) ۴۲۳
 ارشد ۸۰۸
 استغنا ۳۸۷
 اسدالله اصفهانی (خلیفه) ۴۵۶
 اسمعیل صفوی (شاه) ۷۱۳
 اسیر (میرزا جلال) ۲۸۶، ۳۷۹
 اسیر ۳۸۷، ۳۴۰، ۲۹۰، ۱۸۲، ۱۰۶
 اسیری (محمد هاشم) ۱۲۶
 اسیری (امیر قاضی) ۲۵۱
 اشراق ۸۰
 اشرف ۱۳۹، ۲۸۶
 اشرفی (سیدحسن سمرقندی) ۴۲۲
 اصدق ۱۳۸
 اصلی ۱۳۵
 اطهر ۲۶
 اطهری دهلوی ۴۴۸
 افضل ۳۴۳
 اقدس (محمد) ۷۱۵
 اقدسی ۳۸۵
 اکبر شاه هندی ۴۲۳
 الهی ۱۱۷-۱۱۹
 الهی میر مهدی ۴۳۸
 الهی (میر) ۱۲۵، ۲۰۳، ۲۱۲، ۲۲۵، ۴۷۵
 امالی خلیجالی / خلیجاتی ۴۶۱
 امانی مازندرانی ۱۵۷، ۳۰۰، ۳۱۳
 امید ۱۱۵، ۱۵۲، ۱۸۸، ۲۱۱، ۲۵۹، ۳۱۹
 امیدی ۷۷۳
 انوری ۴۸۳
 انیسی شاملو ۱۴۰
 اوحدی ۶۹
 اوحدی کرمانی ۴۲۲، ۴۲۵
 اهلسی ۸۵، ۱۰۱، ۱۱۸، ۲۳۵، ۳۹۸، ۳۶۴، ۲۸۶، ۳۴۱
 ایما ۷۴۳
 باذل ۳۶۰
 باقر ۴۳۴
 باقر کاشی ۱۶۸، ۲۴۲، ۲۷۴، ۳۲۵
 باقی ۱۲۱
 برهمن ۱۶۶
 بزرگ (میر، بزرگ تخلص) ۲۹۴
 بنائی ۱۷۴، ۳۴۱
 بهاء الدین قزوینی ۴۶۰
 بهائی (شیخ) ۲۴۱

بیخود ۱۵۹، ۲۹۵

بیدل ۱۳۶، ۲۸۲، ۳۳۵، ۳۷۶، ۳۸۷

بینش ۱۱۷، ۱۸۱

ت

تائب هجرودی ۱۱۳

تأثیر ۱۴۱

تاراج ۳۴

تجلی ۱۵۲، ۲۲۷

تحسین ۱۲۰، ۳۷۹، ۳۸۶، ۳۹۱

تحمل (میرزا زمان بخاری) ۳۷۹

تعظیم ۸

تلاش ۳۱۹

تمکین ۳۴، ۳۱۰

تمنا ۲۷۲

تمنا (میرزا ابوالحسن دست غیب) ۱۲۸، ۱۶۱

تنها ۱۱۰

تنها (عبداللطیف خان) ۱۲۲

توفیق کشمیری ۱۶۰، ۱۸۶، ۲۲۲، ۲۲۳، ۳۳۱، ۳۵۰، ۴۳۲

۷۹۳

ث

ثابت ۴۱۲

ثاقب ۱۶۵

ثنائی (حسین مشهدی) ۲۲۸، ۸۱۶

ج

جامی ۱۶، ۳۸، ۷۷

جانباز ۸۳

جدلی قزوینی (میر) ۲۱۷

جدائی ساوجی ۲۳۰

جرئت ۲۵

جلالی ۸۲۷

جمال الدین قزوینی ۲۶۰

جناب میرزا فتح الله ۳۶، ۴۰۶

جنید ۸۲۰، ۸۲۱

جوبیا ۱۳۷

چ

چرخعی یعقوب غزنوی ۴۵۱

ح

حاجی ۲۰۷

حارسی خراسانی (شیخ الاسلام) ۴۴۹

حافظ ۱۹، ۴۶، ۶۵، ۱۱۳، ۱۲۷، ۱۴۴

حاکم ۱۲۳

حالتی (قاسم بیگ) ۱۱۴

حالی کربلائی ۱۱۱

حالی (فریدون لوندخان) ۱۷۱

حالی ۶۷

حجاب ۴۱۲، ۴۶۹

حزنی اصفهانی ۱۲۴، ۲۱۲، ۲۲۷، ۳۲۷

حزین ۳۳، ۱۲۴، ۱۷۸، ۲۲۹، ۲۴۰، ۲۷۶، ۲۹۸، ۳۶۷

۳۵۸، ۴۴۱، ۳۵۱، ۳۲۰، ۴۵۰

حزینی شاشی ۳۰۳

حسابی نظنزی ۳۲۱، ۶۸۷

حسن غزنوی (سید) ۴۵۱

حسن دهلوی ۱۵۳، ۱۹۲، ۲۳۲، ۲۴۶

حسین شاه کشمیری ۲۴۸

حسین خونساری (آقا) ۴۹۴

حسین نیشابوری ۴۵۳

حسین هراتی —

حسین فارسی (کمال الدین) ۳۳۰

حسینی سبزواری —

حضور (امیر) (امیر ابراهیم) ۶۷، ۲۱۰، ۲۳۶، ۳۲۷، ۴۰۹

حضوری قمی ۱۲۷، ۱۳۰، ۳۲۱

حکمی ۳۵

حیا ۲۶

حیاتی ۷۵۶

حیدر ۱۱۱، ۲۲۱، ۳۰۳، ۳۳۲، ۳۵۵

حیدر کلوجه هراتی ۱۶۳، ۲۳۸، ۲۵۶، ۳۰۷

حیدری خراسانی ۱۰۰، ۳۰۸، ۳۵۰

حیدر لاچوردی (ملا) ۱۷۴

حیرانی ۲۴۸، ۳۷۰

حیرت ۲۵۵، ۲۹۳، ۶۹۲، ۲۵۹

حیرتی مروی ۱۵۰

خ

خاشع ۸۳، ۱۱۰، ۱۶۷، ۳۸۹

خالد (فخرالدین هراتی) ۴۵۲

خالص (امتیاز خان) ۳۸۵

خالص ۱۱۷، ۱۱۹، ۲۰۹، ۲۳۹، ۲۴۳، ۳۴۴، ۳۴۸، ۲۹۹،
 ۳۶۰، ۳۸۳، ۲۸۵
 خان دوران ۷۱۵
 خجند ۴۹۳، ۴۹۴
 خسرو دهلوی (امیر) ۱۳، ۹۴، ۱۰۱، ۱۳۴، ۱۵۲، ۲۵۰، ۱۷۶،
 ۱۹۴، ۲۰۲، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۴۸، ۲۳۶، ۶۸۵، ۲۴۱
 خضری قزوینی ۳۱۸، ۳۵۰
 خلیل ۳۶۱
 خلیل تبریزی ۳۴۶
 خماری استرآبادی ۲۳۶
 خواجه ۶۱
 خیالی ۴۶۴، ۴۸۴
 خیام ۴۷۲، ۴۹۳
 دانا ۳۱
 دانش ۱۳۲
 دانش (میررضی) ۱۶۲، ۴۷۲، ۴۷۷، ۴۸۰
 دل ۲۲۷، ۴۲

ذ

ذبیح ۴۸۹
 ذکی همدانی ۲۵۰
 ذوقی مشهدی ۲۵۲، ۳۰۱

ر

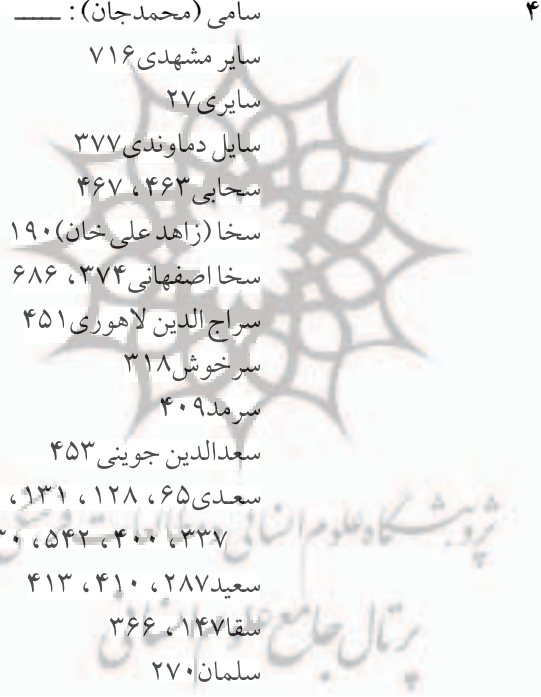
رابط ۳۸۶
 رابطا ۴۷۵
 راجع (محمدعلی) ۱۸۷
 رافع ۷۷۰
 رایج ۱۳، ۳۴، ۱۶۹، ۲۲۵
 ربیع ۳۴۳
 رشید (میرزا محمد) ۱۳۳
 رشید و طواط ۴۵۱
 رشید از زرگر ۴۶۲
 رضی (میرزا رضی) ۲۰۸
 رفیع (میرزا) ۵۴، ۱۶۷
 رفیق (محمدحسین اصفهانی):
 رکنا (حکیم) ۴، ۵
 رونق ۳۳
 رهائی ۱۷۳
 رهی ۲۸۸

ز

زاهدی خراسانی ۱۹۳
 زلالی ۲۶
 زمانای زرکش ۱۱۳
 زمانای یزدی ۱۳۶

س

سابق ۱۶۱، ۱۷۳، ۲۷۳، ۳۴۲، ۴۸۶
 ساکن تبریزی ۳۶۲
 سالم ۳۳۸
 سالم کشمیری ۱۵۹
 سامان (میرزانا صر) ۳۱۷، ۵۳
 سامع ۳۹۱
 سامی ۷۱۷
 سامی خیابانی ۴۹
 سامی (محمدجان):



سایر مشهدی ۷۱۶
 سائری ۲۷
 سایل دماوندی ۳۷۷
 سجایی ۴۶۳، ۴۶۷
 سخا (زاهد علی خان) ۱۹۰
 سخا اصفهانی ۳۷۴، ۶۸۶
 سراج الدین لاهوری ۴۵۱
 سرخوش ۳۱۸
 سرمد ۴۰۹
 سعدالدین جوینی ۴۵۳
 سعدی ۶۵، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۵۴، ۳۹۶، ۴۲۶، ۱۵۷، ۱۹۵،
 ۳۳۷، ۴۰۰، ۵۴۲، ۴۳۰
 سعید ۲۸۷، ۴۱۰، ۴۱۳
 سلقا ۱۴۷، ۳۶۶
 سلمان ۲۷۰
 سلیم ۱۴۱، ۵۱۲
 سمیع (میرزا) ۴۸۸
 سنائی ۴۵۰
 سنجر ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۴۰، ۴۲۶
 سویدا ۳۵۵
 سهمی ۹۶، ۳۷۸
 سهیلی (امیر شیخ) ۱۵۰

۴۲. در عنوان غزل و نیز در بیت تخلص، چنین آمده است؛ گرچه غریب و دور از ذهن می باشد، ولی محال نیست (باستانی راد).

سیادت ۱۰۱، ۱۶۹، ۱۸۵، ۳۱۲
سید ۱۵۹
سیفی بخاری ۳۰۶

ث

شاپور ۶۴، ۱۵۳، ۱۶۸
شاه (خواجه پادشاه) ۳۶۷
شامل دماوندی ۴۲۴
شانی تکلو ۲۸۵
شاهی ۲۰، ۴۸
شاهی (امیر) ۴۲۴، ۴۵۵
شاهمیر دیلمی ۳۲۸
شجاع الدین اصفهانی ۴۲۴
شراری همدانی ۳۲۸
شرف شفره ۲۶۸

شرف (شرفجهان قزوینی) ۱۲۲
شریف تبریزی ۳۲۴
شریف آملی ۷۱۸
شفائی ۱۲۷، ۱۵۷، ۳۸۹
شکیب (ملا محمد علی) ۳۲۴
شکیبی ۶۲، ۲۴۹
شمس ۲۸۹
شمس تبریزی ۸۱۹
شوکت ۲، ۲۵۲، ۲۹۵، ۳۳۴
شوکتی اصفهانی ۳۲۷
شهرت (ملا) ۱۲۸، ۱۴۱، ۴۲۸
شهیدی ۷۰
شیدا ۸۰۱

ص

صائب تبریزی ۲، ۹، ۲۰، ۵۵، ۷۴، ۱۳۰، ۱۲۳، ۱۱۸، ۱۱۲، ۷۹، ۸۶۰، ۱۰۷
صابر ۴۷۰
صاحب (حکیم صاحب برگ گل خیال) ۱۱۳
صادق حلوائی ۱۱۰
صالحی مشهدی ۲۱۰
صامت ۴، ۲۱۵، ۳۴۳
صانع ۳۰۱
صانعی هروی ۲۳۱
صبحی ۵۷

صدرالدین خجندی ۴۵۴
صرفی ۳۳۳
صفی ۱۹۹
صفی قلبی بیک ۲
صورت بخاری (شاه) ۱۰۳
صورت خان اصفهانی ۴۲۴
صوفی مازندرانی ۴۸۲، ۴۱۲، ۳۰۶
صوفی (محمد آملی) ۴۵۹
صیدی طهرانی (میر) ۳۱۰، ۳۶۵، ۳۷۲

ض

ضمیری اصفهانی ۱۳۱، ۱۸۳، ۲۰۴، ۲۳۸، ۳۷۳، ۳۶۳
ضیاء کشمیری ۳۲۶
ضیاء الدین کاشانی ۴۵۷

ط

طالب ۵، ۴۰، ۴۷
طالب آملی ۱۹۸، ۲۳۴، ۲۷۶، ۲۹۶، ۳۳۷، ۳۱۶
طالب (یحیی خان) ۲۴۳
طاهر (شاه) ۴۶۵
طاهر (ظهیر الدین) ۴۵۱
طاهر (ابو طاهر) شیروانی ۴۲۲
طغرا ۲۶۴

ظ

ظریف ۳۳۴
ظهوری ۲۰۴، ۲۱۶، ۳۸۳
ظهیری تفرشی ۱۷۷
ظهیر الدین طاهر ۴۵۱

ع

عابد ۴۵۴، ۳۵۴
عاجز ۳۰۰
عارف ۱۷۴
عاشق (کرم اللہ خان) ۱۳۱
عاشق ۲۷۱، ۳۰۶
عالی ۱۶۲، ۱۶۵، ۳۴۷، ۴۷۲
عامی ۲۷
عبدالباقی حسن آبادی ۴۵۳
عبدالرزاق اصفهانی ۴۵۵، ۳۰۶

غزالی مشهدی ۲۵۲
 غنی —
 غنیمت ۲۷۳، ۳۱۸، ۳۳۴، ۳۶۵
 غیرتی شیرازی ۷۹

ف

فائز ۱۴، ۲۸، ۹۸، ۱۰۳، ۱۳۶، ۴۱۴
 فاتح ۳۴۸
 فارس ۲۸۹
 فارغ ۴۲
 فاضل (مولانا حسن) ۱۲۶
 فانی ۱۷۵، ۳۰۸، ۴۴۴
 فایح (میرابوالفتح سبزواری) ۱۷۹
 فائق ۱۸۰، ۴۷۸
 فائض ۱۶۷
 فخر ۶۷۱
 فخری ۱۳۵، ۱۵۱، ۱۷۱، ۱۷۵، ۳۰۹، ۳۴۲
 فرج الله شوشتری (مولانا) ۳۲۶
 فردی ۱۵
 فردوسی ۴۳۴، ۴۸۰
 فروغ ۳، ۲۷۲
 فصیحی ۲۹۹، ۳۲۷، ۴۷۱
 فضلی ۱۳۵
 فضولی بغدادی ۹۸، ۳۷۲
 فطرت (موسوی خان) ۳۹۵
 فطرت (میرزا معز) ۳۵، ۷۵، ۱۵۸
 فغانی ۲۱۳، ۳۱۷، ۳۲۷، ۳۹۲
 فغانی تبریزی ۲۲۶، ۲۳۴، ۲۸۴، ۳۵۱، ۳۸۸
 فغفور لاهیجی ۳۰۰
 فغفور ۸۳
 فوجی ۲۳، ۱۱۰، ۱۱۵
 فهمی کاشی ۱۳۷
 فیضی ۱۷۰، ۲۲۰، ۲۴۰

عبدالرسول ۱۲۵
 عبدالعزيز لُنْبَانِي ۴۵۴
 عبدالهادی ۲۱۲
 عبدالله اصفهانی (میرزا) ۴۵۳
 عبدی ۳۷۸
 عبیدی ۲۰۰
 عراقی ۲۴۷، ۴۲۸
 عزت ۳۰، ۱۶۷
 عزت (میرزا جانی کرمانی) ۱۱۷
 عزتی سبزواری ۲۳۳
 عزالدین کاشانی (شیخ) ۴۵۶
 عرفی ۲۹، ۱۶۶، ۲۰۲، ۲۶۸، ۲۱۵، ۲۷۲، ۲۹۷، ۳۷۶، ۴۶۲، ۴۷۴
 عزمی —
 عسکر شیرازی ۲۲۴
 عسکری (محمد برادر محمد عابد) ۱۸۷
 عشرت ۳۹۰
 عصمت ۴۷۵
 عصمت بخارائی ۲۶۵
 عطائی ۷۶۲
 علی کل سمنانی ۴۵۸
 علی (ناصر علی پسر توفیق) —
 علی (حاجی) ۱۸۶
 علوی ۱۶۲۴۳
 علوی ۴۴ (طاهر علوی) ۲۳۰، ۲۲۷، ۲۴۱، ۲۷۷
 عماد موسوی (میر) ۳۰۹
 عمادی طهرانی ۴۵۸
 عمر بخارائی ۴۶۲
 عنایت الله کنت (میر) عنایت تخلص ۱۵۹، ۱۸۶
 عنصری (ابوالقاسم) ۴۵۰
 عنوان ۲۵۳
 عیسی ۳۹
 عیسی و عیش ۷۶۹
 عین القضاة همدانی ۴۵۷

غ

غارت ۳۰
 غبار ۱۶۹، ۲۸۳
 غباری اردستانی ۴۵۶، ۳۲
 غربت ۱۸۱ (/ غریب)

۴۳ . هرجا تخلص این شاعر ذکر شده است، با ضمّ عین و سکون لام و واو است نه علوی، و به نام و شرح حالش در هیچ تذکره معروف برنخوردم (باستانی راد).

۴۴ . هرجا تخلص این شاعر ذکر شده است، با ضمّ عین و سکون لام و واو است نه علوی، و به نام و شرح حالش در هیچ تذکره معروف برنخوردم (باستانی راد).

ق

- قابل ۴۷۷
 قادر هندی ۴۳۸
 قاسم ۳، ۲۰۳، ۲۰۶، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۶۵، ۳۹۴
 قاسم انوار ۱۲۸
 قاسم دیوانه ۱۵۵
 قاسم علیخان —
 قاسمی ۱۴۸، ۱۹۵، ۴۷۷
 قیلان بیک (قیلان تخلص) ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۳۴، ۱۹۸، ۲۳۷، ۳۷۰
 قبول ۱۸۴، ۳۷۰
 قبولی مشهدی ۴۴۶
 قدرت ۲۶۰
 قدسی ۱۳۴، ۱۵۸، ۲۰۷، ۲۸۷، ۲۹۸، ۳۱۵، ۴۸۸
 قدسی تفرشی (امیر) ۱۳۸
 قریبی دماوندی ۴۵۸
 قصاب ۲۶۳، ۳۳۶، ۳۸۵
 قمری (سراج) ۴۶۷
 قوشچی (مظهرالدین) ۴۵۲

ک و گ

- کاتبی ۶۶، ۱۱۹، ۲۴، ۲۲۰
 کافی سیزواری ۱۹۹
 کاهی ۱۰، ۲۳۸
 کاهی (قاسم) ۲۷۵
 گرامی (عبدالرحمن) ۴۶، ۴۱۲
 کلامی ۲۱۰
 کلیم ۹۳، ۱۱۹
 کمال ۹۷، ۱۴۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۵۱، ۴۷۴
 کمال الدین حسین فارسی ۳۳۰
 کمال اسمعیل اصفهانی ۴۵۴
 کمال خجند ۱۹۲، ۱۹۶، ۲۲۰، ۲۳۱، ۲۳۹
 کم گو ۲۹
 گویا ۳۰
 لایق ۱۰۹
 لطفی نیشابوری ۴۳۹
 لطفی ۴۸۸

ل

- لائیق ۱۰۹
 لطفی نیشابوری ۴۳۹
 لطفی ۴۸۸

م

- مجاذ ۳۷۹

مانی زرگر شیرازی ۲۵۵

مبارکشاه خراسانی ۴۹۹

متین ۲۷، ۴۷، ۵۷، ۱۴۳

متین کشمیری ۱۸۸

مجدالدین ۴۷۲

مجدالدین بغدادی ۴۶۲

مجدالدین خوافی ۴۵۳

مجلسی ۲۹۳

مجید ۴۷۲

مجنوب (میرزا) ۵۴

محبت (خواجه نصرالله کشمیری) ۳۲۶

محبعلی سندی ۴۳۷

محتشم ۳۲۴، ۸۱، ۹۱، ۱۲۲، ۱۳۰، ۴۵۲، ۱

محتشم کاشانی ۲۱۳، ۲۴۶

محرم ۸۰۳

محسن حسن آبادی (خواجه) ۴۵۸

محمدعلی هروی (حافظ) ۱۳۸

محمد رستمنداری ۴۵۹

محمد فراهی (امام شرف الدین) ۴۵۰

محمد هاشم شیرازی ۱۲۶

محمد (شمس الدین) ۴۵۰

محمود اصفهانی (سیف الدین) ۴۵۵

محمود گیلانی (میر) ۴۶۰

محمود (سلطان) ۴۳۶، ۴۳۷

محو ۴۹۵

محو الدین ۸۱۷

مخلص ۳۸، ۶۰

مخلص (قاسم خان) ۱۲۶

مدهوش ۵۴، ۱۱۶

مراد ۷۶۶

مرادی استرآبادی (میر) ۱۴۹

مرتضی ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۳، ۳۴۷

مرحوم (ملا محسن نیشابوری) ۴۳۱

مرحومی بخاری (مناظره شمع و پروانه) ۳۲

مرشد (محمد زواری) ۴۵۶

مروارید (محمد تقی کاشانی) ۴۵۶

مرهم ۱۰۸

مسرور ۴۸۹

مسعود همدانی ۴۵۷

۴۵ . گویا ادامه صفحات اشعار محتشم را پشت برگه نوشته است که تصویر آن را ندارم (بشری).

میلی ۱۱۴، ۹۲، ۸۸	مسعود طهرانی ۴۵۸
میلی (میرزاقلی) ۱۲۰، ۲۲۲، ۱۹۳، ۲۰۳، ۳۶۲	مسعود اُنبانی (رفیع الدین) ۴۵۴
میلی (صفی قلی) ۱۴۵	مسعود سبزواری (سلطان) ۴۵۳
ن	مسلم ۱۷۳
ناجی (میرزا حسین) ۳۱۰، ۳۸۲	مشتاق ۶۸، ۳۳۱، ۳۶۳، ۳۸۲
نادر ۲۶۰، ۲۹۹	مشتاق (میر) ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۵۷، ۲۶۵، ۳۵۹
نادم گیلانی ۲۴۹	مشتاق اصفهانی ۵۷۷، ۳۱۸، ۲۹۳
ناصر ۶۶	مشتاق کشمیری ۳۳۹
ناظم ۶۹	مشکی (محمود تبریزی) ۱۷۷
ناظم هروی ۱۳۷، ۳۱۲	مشهور ۴۰
ناطقی سمنانی ۴۵۹	مضمون (میرزا) ۷۰، ۳۴۴، ۳۹۰
نامی طهرانی (افضل) ۳۵۶	مطربی ۹۸
نثاری ۲۵۰	معلوم ۲۳، ۴۱، ۱۳۹
نثاری تونی ۱۲۹	معلوم (میرزا حسین بیگ) ۱۱۹، ۲۴۲، ۲۴۶
نجات ۱۰۸	معلوم تبریزی ۱۶۲، ۱۸۴، ۱۸۹، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۴۵، ۳۸۸،
نجات (میر) ۱۹۱، ۲۳۹، ۳۴۷، ۳۵۳	۳۷۰، ۲۱۷، ۲۱۹
نخشی ۴۲۵	معنی ۱۰۲، ۱۰۷
نسیم سمنانی ۴۵۹	معنی (ملا) ۲۸
نسیمی ۲۰۱	مغربی ۱۴۶، ۶۸۹، ۷۰۷
نصرتی ۴۰۴	مغرور ۸۰۲
نصیبی گیلانی ۱۲۱	مفتون (میرزا) ۱۶۰، ۱۸۷
نصیر (کمال الدین محمد) ۴۳۱	مفلسی مشهدی (ملا) ۳۶۶
نظام دست غیب ۳۳۷	مقیم (میرزا) ۱۴۱
نظام (میر) ۶۱۳	ملامت ۲۱۴
نظامی ۴۳۸، ۴۶۸	ملهف (صالح بیگ) ۱۰۲
نظیر —	منصف ۳۲۱
نظیری ۵۶، ۱۷۶، ۱۷۹، ۲۱۴، ۲۸۰، ۲۷۶، ۲۷۴، ۲۴۰،	منصور (محمد اوزجندی) ۴۳۸
۳۴۹، ۳۱۳، ۲۲۶	منفرد (ملا) ۳۲۲
نعیمی ۱۲۱	منوچهری ۴۲۳، ۷۹۸، ۷۹۷، ۷۸۷، ۷۹۱، ۷۹۴
نقی کمره‌ئی ۱۵۱، ۱۷۷، ۲۳۶، ۳۲۸	منیر ۱۶۹
نقی (شرف الدین علی) ۱۸۷	موجد ۳۹۸
نکته ۷۲۸	موسوی (موسوی خان) ۸۷
نورالله ساوجی (قاضی) ۹۹	موسوی (میر عماد مشهدی) ۳۰۹
نورس ۳۷۸	مولی (عبدالمولی) —
نورالعین ۱۲۵	مولوی (ملای روم) ۵۳۹
نویدی ۲۱، ۱۳۰	مؤمن استرآبادی (میر) ۵۶
نویدی هروی ۵۶	مهری (سید علی) ۶، ۱۳۲، ۸۳، ۶۶۶
نیکی اصفهانی (مولانا) ۳۶۲	میان حضورالله ۱۲۴، ۳۵۰
	میان حضوردار ۲۴۱، ۳۶۷
	میرزاجان (عبدالرحیم) ۴۴۹

یمین الدین فریومدی (امیر)، پدر ابن یمین —

فهرست تذکرة النساء ^{۴۶}	واحد ۲۰۷، ۲۸۶، ۳۲۶
بی بی آرزو ۴۱۶	واصل ۳۶۱
ضعیفی ۴۱۶	واعظ ۷۳، ۱۷۲
حجابی دختر عزیزالدین هلالی ۴۱۶	واقف ۹۵، ۱۹۱، ۲۱۹، ۲۶۱، ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۶۴، ۳۹۶
بی بی فاطمه خاتون سبزواری متخلص به دوستی ۴۱۶	۳۹۷، ۴۰۸، ۴۱۵
بی بی عصمتی اسفرائینی ۴۱۷	واقف (نورالعین) ۶۲۱
بی بی نسائی ۴۱۷	واله (میرزا) ۵۰۹، ۲۰۸، ۲۸۳
جهان آرا بیگم، پنهان تخلص ۴۱۷	واهب اصفهانی ۴۲۹
دختر قاضی سمرقندی ۴۱۷	وجهی ۸۲
فخر النساء نسائی دختر امیر یادگار ۴۱۷	وحدت ۲۸، ۱۱۱، ۱۳۷، ۲۸۵
بی بی نباتی معشوقه خواجه حافظ ۴۱۷	وحشی یزدی ۵۱، ۹۹، ۴۴۰، ۶۹۴، ۷۱۴
بی بی پرتوی تبریزی ۴۱۸	وحید ۱۱۵، ۱۳۴، ۱۴۶، ۳۶۴، ۳۹۴
نسائی دختر امیر یادگار ۴۱۸	وحید (طاهر) ۲۶۴
سیده بیگم جرجانی، ملک تخلص ۴۱۸	وصال ۴۷۷
دختر غزالی یزدی ۴۱۸	وصالی ۷۶
بانو آفاقی جلایر ۴۱۹، ۴۲۰	وصالی بسطامی ۱۱۹
مهری زن خواجه حکیم ۴۲۰	وفاء ۹۶، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۳۵
بانو بیدلی ۴۲۰	وفائی ۲۷، ۶۸، ۱۲۴، ۵۸
بانو ضعیفی، نهانی تخلص دختر حسن شاه ۴۲۰	وفای خوارزمی ۲۸۱
بانو آفاقی ۴۲۰	وفائی خوارزمی ۱۶۳
بانو منجمه، حالی تخلص ۴۲۱	ولی ۹۴
نسائی ۴۲۱	ولی دشت بیاضی ۳۷۳
بانو نهانی شیرازی ۴۲۱	هاتفی ۴۳۶، ۴۵۷
زیب النساء بیگم ۴۲۱	هجری ۲۱، ۲۴۷، ۳۷۸، ۳۸۴، ۷۱۶، ۷۲۲
	هلالی ۵۸، ۹۷، ۱۱۶، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۶، ۲۰۶، ۲۱۹، ۲۳۲،
	۲۳۷، ۲۵۷، ۲۹۲، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۴۰، ۲۰۷، ۲۷۳
	هما (عطاءالله) ۷۸۱، ۸۰۰، ۷۸۷
	همام ۶۶
	همایون اسفرائینی (امیر) ۲۱۰، ۳۲۲، ۳۳۱
	همایون —
	همایون شاه ۴۴۸
	هندی ۳۰۰، ۶۸۳
	هوئی تونی ۴۰۴
	ی
	یحیی ۱۴، ۵۲
	یحیی کاشی ۱۵۵، ۱۹۷، ۲۲۰، ۳۱۴
	یحیی (طالبخان) ۲۴۳

۴۶. این نامی است که خود مؤلف نهاده و نگارنده و تهیه کننده فهرست هم پیروی نمودم و تصور می کنم برای همه این مجموعه و قسمت رجال آن نیز همچو نامی در نظر داشته، و اگر شرح حال مختصری برای شاعران می نگاشت، نسخه حاضر یکی از بهترین تذکرة شعرا می شد؛ گرچه شرح حالی که برخی از ارباب تذکرة برای شاعران نوشته اند، به شناسایی آنان کمکی (کذا) نمی کند و فقط یک جملات یکنواخت و متحد المعنی و مختلف اللفظ است و چندین تعریف؛ و یکی از منابع و مواد اغلب از تذکرة های هندی چنانچه خود اشاره کرده اند، همین گونه مجموعه ها بوده که به پاره ای از موارد آن دانشمند محقق و منتقد معاصر دوست گرامی «گلچین معانی» در تألیف بی نظیر تاریخ تذکرة های فارسی متذکر شده است؛ حتی برخی از تذکرة نویسان ایرانی هم از این مجموعه ها استفاده ها برده اند؛ چنانچه نصرآبادی هم چند جا به این موضوع اشاره دارد (باستانی راد).